

قرآن بزرگترین معجزه پیامبر اعظم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات فراوان بر محمد مصطفی و

اهل بیت طاهرینش

خداوند بر بشریت منت نهاد و قرآن کریم را بوسیله پیامبرش محمد مصطفی

صلی الله علیه و آله و سلم

به انسان ها هدیه داد تا هر کس بخواهد از نور آن بهره ببرد و با عمل به آیات

آن که کلام خداوند حکیم است به سعادت دست پیدا نماید.

ولی از این گنج پر بها فقط عده کمی بهره بردند و می برند و اکثر بشریت حتی

اکثر مسلمانان از این گنج الهی بی بهره اند و از این نعمت بسیار بزرگ غافلند.

ما در این کتاب بصورت مختصر به ابعادی از این کتاب هدایت الهی پرداخته ایم

تا شاید خوانندگان محترم کمی با اهمیت قرآن کریم و ارزش و جایگاه آن آشنا

گردند. امیداست مورد استفاده خوانندگان محترم واقع گردد.

تهران-مهر 97

قرآن راه معرفت الله

راه معرفت الله فقط از طریق قرآن کریم و عترت می گذرد . پس باید مواظب بود که از راههای منحرفی چون دراویش دغلباز و فریبکار، عارفان کذاب و دنیا طلب، فرقه‌های گمراه کننده دوری نمود که عاقبتش گمراهی و جهنم است .

قرآن کریم کتابی است که روح همه تعلیمات موقت و محدود کتب دیگر آسمانی را که مبارزه با انواع انحرافها و بازگشت به تعادل است در بردارد . این است که قرآن کریم خود را (مهیمن) و حافظ و نگهبان سایر کتب آسمانی می خواند:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ»⁽¹⁾

ما این کتاب را بحق فرود آوردیم در حالی که تایید و تصدیق می کند کتب آسمانی پیشین را و حافظ و نگهبان آنهاست .

همه روزه در قبر قرآن تلاوت می کرد...

سیده نفیسه عروس امام صادق علیه السلام از زنان بسیار عابده بود بطوری که یکی از نزدیکان او می گوید هیچگاه شب برای او بستر نگستردم و همه شبها تا صبح عبادت می کرد و در قبری که در منزل خود کنده بود می رفت و قرآن تلاوت می فرمود. و همیشه روزه بود و در هنگام رحلتش روزه بود.

یک داستان

یکی از شیعیان شیرازی می گوید که در مرض عمومی آنفلوانزا (محرم 1337 قمری) که بیشتر اهالی شیراز حتی من و خانواده ام بدان مبتلا شدیم . من از شدت مرض بیهوش شدم و در حال بیهوشی، مرحوم سید میرزا (امام جماعت مسجد فتح) را دیدم که در مسجد وکیل پس از نماز جماعت به یک نفر گفت: به مردم بگو دست راست خود را بر دو شقیقه خود گذاشته و آیه شریفه: «وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا».⁽¹⁾

را هفت بار بخوانند . هر که اینکار را بکند خداوند سبحان او را شفا می دهد .

من از خواب بلند شدم و این آیه در حالی که دست بر دو شقیقه خود گذاشته بودم، هفت بار خواندم و شفا یافتم . سپس این عمل را بر روی اعضای خانواده ام انجام دادم و آنها نیز شفا یافتند . پس از آن سال هرگاه از ما کسی دچار سردرد می شد، این آیه را بر او می خواند و خوب می شد .⁽²⁾

بسیست سال با قرآن حرف می زد...

راوی می گوید در راه حج، زنی را دیدم که تنها سفر می کرد، از او پرسیدم تو کیستی؟ گفت: «وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» یعنی: بگو سلام بعد می دانی. من به او سلام کردم و گفتم: اینجا چه می کنی؟ گفت: «مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَلَآ مُضِلَّ لَهُ» یعنی هر که را خدا هدایت کند، گمراه نمی شود. گفتم: آدمی یا جنی؟ گفت: «يٰۤاِبْنِي آدَمَ خُذْ وَازِيَتَكَ» یعنی ای فرزندان آدم! خود را زینت دهید. گفتم:

از کجا آمده‌ای؟ گفت: «يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ» یعنی از راه دور صدامی کنند. گفتم: به کجا می‌روی؟ گفت: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» یعنی خدا حج را بر مردم واجب کرده است. گفتم: چه وقت از قافله عقب ماندی؟ گفت: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ». یعنی ما آسمانها و زمین را در شش روز خلق کردیم. گفتم: غذا میل داری؟ گفت: «وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَداً لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ» یعنی: ما انسان را جسمی بدون نیاز به غذا قرار ندادیم. غذا به او دادم و گفتم: تندتر بیا! گفت: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا» یعنی خدا تکلیفی فوق طاقت انسان نمی‌کند. گفتم پشت سر من سوار شو! گفت: «لَوْ كَانَ فِيهِمْ آلُ اللَّهِ لَفَسَدَتَا» یعنی: اگر در آسمانها و زمینها خدایانی غیر از خدای واحد بود، آسمان و زمین از بین می‌رفتند. پیاده شدم تا او سوار شود، وقتی سوار شد گفت: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا» یعنی منزّه است خدایی که این را به تسخیر ما در آورد. وقتی به قافله رسیدیم، گفتم: در این کاروان، قوم و خویشی داری؟ گفت: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ» «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» «يَا مُوسَى إِنَّا أَنَا اللَّهُ» من صدا زدم: آی داود! ای محمد! ای یحیی! ای موسی! ناگاه چهار جوان از قافله بطرف ما آمدند. از آن زن پرسیدم: اینها کیستند؟ گفت: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» یعنی: مال و فرزند زینت زندگی دنیا هستند. وقتی آنها رسیدند، به آنها گفت: «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» یعنی ای پدر این را اجیر کن که قوی و امین است. آنها مقداری بمن پول دادند. باز گفت: «وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» یعنی: خدا به هر که بخواهد مضاعف می‌دهد. آنها مقدار دیگری پول دادند.

به آنها گفتم: این زن کیست؟ گفتند: این مادر ما فضّه، کنیز حضرت فاطمه است که بیست سال است جز با قرآن حرف نمی‌زند.

آثار تلاوت سوره های مختلف قرآن کریم

«کسیکه سوره یونس را در هر دو یا سه ماه تلاوت کند، روز قیامت از مقرین است* کسیکه سوره هود را در هر جمعه قرائت نماید، در قیامت از زمرة پیامبران بوده و خطائش پاک می شود.* کسیکه سوره یوسف را در هر روز یا هر شب، تلاوت کند، در قیامت، جمالش مثل یوسف بوده و دچار فزع اکبر نمی گردد.* کسیکه سوره رعد را تلاوت نماید، بدون حساب، وارد بهشت شده و اجازه شفاعت در مورد خانواده و دوستانش را به او می دهند* کسیکه سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند، شهید می میرد و در قیامت با شهداء محشور می شود* کسیکه بر تلاوت سوره مریم مداومت نماید، رو قیامت جزء اصحاب عیسی (ع) محشور شده و پادشاهی سلیمان را به او می دهند* کسیکه سوره احزاب را زیاد قرائت کند، در قیامت در کنار پیامبران، خواهد بود* کسیکه در نمازهای واجب و مستحب، سوره دخان را تلاوت کند، در قیامت، ایمن بوده و از او حسابی آسان کشیده و نامه عملش را بدست راست می دهند* کسیکه در هر جمعه، سوره احقاف تلاوت نماید، در دنیا، دچار ترس نشده و در قیامت، ایمن خواهد بود* کسیکه سوره انا فتحنا را تلاوت کند، در قیامت به او مخلص خطاب می شود* کسیکه هر شب قبل از خواب، سوره واقعه را تلاوت نماید، روز قیامت، خدا را با صورت نورانی ملاقات کند* کسیکه سوره های طلاق و تحریم را در نمازهای واجب بخواند،

در قیامت، دچار ترس نمی شود* کسیکه بر سوره لا اقسام مداومت کرده و به آن عمل کند، با بهترین صورت محشور شده و از صراط و میزان عبور کند* کسیکه سوره والنازعات را تاوت نماید، سیراب می میرد و سیراب محشور می شود و سیراب به بهشت می رود* کسیکه سوره ذات البروج را در نمازهای واجب، تلاوت کند، در موقف پیامبران می ایستد* کسیکه سوره الطارق را در نمازهای واجب تلاوت کند، در قیامت دارای جاه و مقام بوده و از رفیقان پیامبران است* کسیکه سوره اعلی را در نمازهای واجب و مستحب، تلاوت کند، به او گفته می شود: از هر دری که می خواهی، وارد بهشت شو!* کسیکه بر تلاوت سوره العادیات مداومت کند، با علی (ع) محشور شده و در کنار او خواهد بود* کسیکه القارعه

رازیاد تلاوت کند، از حرارت جهنم ایمن است* کسیکه سوره عصر را در نوافل بخواند، با خنده و نور مبعوث شده و داخل بهشت می شود* کسیکه سوره لایلاف را زیاد تلاوت نماید، او را بر مرکبی از مرکبهای بهشت سوار نمایند.»

شیخ انصاری و شاگردی که در گوش راستش امیرمومنان بسم الله خواند...

گویند طلبه ای برای شرکت در درس شیخ انصاری به نجف رفت و در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت کرد اما چیزی از درس متوجه نمی شد لذا متوسل به امیرالمومنین شد و شبی در خواب حضرت را زیارت کرد و امام او را نزد خود خواند و در گوش راستش بسم الله الرحمن الرحیم گفت. فردا در درس شرکت کرد و درس را کاملاً فهمید. کم کم در درس ها شروع به اشکال به شیخ انصاری کرد. روزی خیلی اشکال کرد در پایان درس شیخ انصاری به او گفت همان کسی که در گوش راست تو بسم الله فرمود، تا ولا الضالین در گوش من خوانده است!

شهید رستگار مادرش را حافظ قرآن کرد..

:مادر در خواب پسر شهیدش را می بیند. پسر به او می گوید:
 «توی بهشت جام خیلی خوبه. چی می خوای برات بفرستم؟
 :مادر می گوید:
 چیزی نمی خوام؛ فقط جلسه قرآن که می رم، همه قرآن می خونن و من نمی تونم بخونم خجالت می کشم. می دونن من سواد ندارم، بهم می گن
 «همون سوره توحید رو بخون
 :پسر می گوید:
 «!نماز صبحت رو که خوندی قرآن رو بردار و بخون

بعد از نماز یاد حرف پسرش می افتد. قرآن را بر می دارد و شروع می کند به خواندن. خبر می پیچد. پسر دیگرش این را به عنوان کرامت شهید

محضر آیت الله نوری همدانی مطرح می‌کند و از ایشان می‌خواهد مادرش را امتحان کنند. قرار گذاشته می‌شود. حضرت آیت‌الله نزد مادر شهید می‌روند. قرآنی را به او می‌دهند که بخواند. به راحتی همه جای را می‌خواند؛ اما بعضی جاها را نه.
 «!می‌فرمایند: «قرآن خودت رو بردار و بخوان.
 مادر شهید شروع می‌کند به خواندن؛ بدون غلط
 آیت الله نوری گریه میکنند و چادر مادر شهید را می‌بوسند و می‌فرمایند:

جاهایی که نمی‌توانست بخواند متن غیر از قرآن قرار داده بودیم که
 «. امتحانش کنیم.

خاطره از مادر شهید

شهید حاج کاظم رستگار

فرمانده لشکر 10 سید الشهداء

ایه الکرسی و دزدی که در مغازه گرفتار شد

«زینب مرادخانی، دانشجو: از یکی از خویشاوندان شنیدم که می‌گفت: من به آیه الکرسی علاقه فراوان دارم و هر شب بعد از نماز آن را می‌خوانم. یک شب یادم رفت که این آیه را بخوانم، اما به هنگام خواب یادم افتاد که نخوانده‌ام و شروع کردم به خواندن و بعد خوابیدم. صبح که به مغازه رفتم، با کمال تعجب دیدم که درب مغازه باز است. وقتی داخل شدم دیدم اجناس داخل مغازه، بسته بندی شده و در وسط مغازه قرار دارند و شخصی هم کنار آنها ایستاده است. پرسیدم: شما کی هستید و اینجا چه خبر است؟ گفت: آقا جان! دستک به دامن، شب برای دزدی داخل مغازه شدم و این وسائل را جمع کردم، وقتی خواستم بروم، درب خروجی مغازه را پیدا نکردم. هرچه گشتم موفق نشدم و الان چندین ساعت است که دنبال درب خروجی می‌گردم، گیج شدم و نمی‌دانم که از کجا داخل شدم! از بردن

این وسائل هم پشیمان شده‌ام. ساعت‌ها با گریه وزاری از خدا خواستم تا کمک کند ولی تاکنون نتوانسته‌ام رهایی یابم. تو را به خدا درب مغازه ات را بمن نشان بده!

من پس از قدری نصیحت، درب خروجی را نشان دادم و او با تعجب فراوان از این که چرا شب تا صبح درب را نیافته است از مغازه خارج شد. من در خلوت خود، به یاد آیه الکرسی که دیشب خوانده بودم افتادم و علاقه‌ام به این آیه بیشتر شد.»

دستور پیامبر آنها را نجات داد

«امام ششم (ع): عده‌ای به محضر پیامبر آمدند و گفتند: ما عازم مسافرت به شام هستیم. بما سخنی بیاموز! حضرت فرمود: شب هنگام، هر کجا برای استراحت توقف نمودید، وقتی به بستر رفتید، قبل از خواب، تسبیح فاطمه (س) و آیه الکرسی را بخوانید که شمارا از هر چیزی حفظ می‌کند. آنها رفتند و هنگام خواب دستور حضرت را بکار بستند. در آن حوالی راهزنانی بودند که این عده را زیر نظر گرفته و منتظر بودند که شب بشود و به اینها دستبرد بزنند. وقتی شب شد یکی از راهزنان برای آگاهی از موقعیت مسافرین، به محل استراحت آنان آمد ولی غیر از دیوار بلندی که دور تا دور آن محل را فرا گرفته بود، چیزی ندید! برگشت و این قضیه را به راهزنان خبر داد. راهزنان سخن او را قبول نکرده و گفتند: تو آدم ضعیفی هستی و از ترس این حرف را می‌زنی! اما وقتی خود به محل آمدند و آن دیوار بلند را دیدند، بناچار برگشتند.

فردا صبح باز به آن محل رفتند و از دیوار خبری نبود و مسافرین آنجا بودند. راهزنان از مسافرین پرسیدند: شما دیشب کجا بودید؟ گفتند: همین جا! راهزنان گفتند: دیشب ما آمدیم ولی جز دیوار بلندی چیزی ندیدیم! قصه شما چیست؟ آنان گفتند: پیامبر بما سفارش کرده است که شب قبل از خواب، تسبیح فاطمه (س) و آیه الکرسی را بخوانیم و ما هم همینکار را کردیم. راهزنان گفتند: شما آزادید و به هر کجا

که می خواهید بروید که بخدا سوگند! ما هرگز شمارا تعقیب نمی کنیم و بدانید که تازمانیکه بدستور پیامبرتان عمل می کنید، هیچ راهزنی نمی تواند بشما آسیب برساند!

راننده ماشین ایه الکرسی نخواند و ضبطش به سرقت رفت...

یکی از مومنین کرمانشاه می گفت من همیشه ماشین را جایی پارک می کردم یه ایه الکرسی می خواندم. و ماشین من حفظ می شد. روزی در گلزار شهدا رفتم و موقع پارک ماشین دیدم جمعیتی انجا هستند با خود گفتم نیازی به ایه الکرسی نیست! مردم اینجا هستند. جایی رفتم وقتی برگشتم دیدم دزد شیشه ماشین را شکسته و ضبط ماشین را برده است!

ذاذان اواز می خواند امیرمؤمنان اورا حافظ قرآن کرد...

به زاذان گفتند: تو قرآن را زیبا تلاوت می کنی! این قرائت از که است؟

خنده ای کرد و گفت: روزی در حالی که من آواز می خواندم، علی علیه السلام از کنارم رد می شد. امام از صدای زیبای من تعجب کرد و فرمود: ای زاذان! چرا قرآن نمی خوانی؟ گفتم: ای امیرمؤمنان! چگونه قرآن بخوانم در حالی که چند سوره فقط باندازه ای که در نمازم نیاز دارم، بیشتر حفظ نیستم!

امام علیه السلام بمن نزدیک شد و در گوشم جملاتی نامفهوم فرمود. سپس در دهانم دعائی خواند. هنوز امام از من دور نشده بود که متوجه شدم همه قرآن را با اعراب و همزه اش حفظ شده ام. و از آن موقع تا کنون نیازی به سؤال کردن درباره قرآن کریم پیدا نکرده ام.¹

1. بحار، ج 41، ص 195.

چه خوش است صوت قرآن.....

در حالات علامه بحر العلوم چنین نگاشته‌اند: روزی علامه وارد حرم مطهر حضرت علی، علیه السلام،

: شد و مصرع اول این بیت شعر را خواند

چه خوش است صوت قرآن، ز تو دلربا شنیدن به رُخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن یکی از

حاضران پرسید، چرا این شعر را خواندید؟ علامه پاسخ داد: وقتی وارد حرم مطهر امیر مؤمنان علی،

علیه السلام، شدم حضرت ولی عصر، عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که در ناحیه بالا سر

نشسته با صدای بلند و شیوا، قرآن می‌خواند، از این رو آن شعر را خواندم

بحار الانوار، جلد 53، صفحه 302. حالات علامه بحر العلوم چنین نگاشته‌اند: روزی علامه وارد حرم

: مطهر حضرت علی، علیه السلام، شد و مصرع اول این بیت شعر را خواند

چه خوش است صوت قرآن، ز تو دلربا شنیدن به رُخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن یکی از

حاضران پرسید، چرا این شعر را خواندید؟ علامه پاسخ داد: وقتی وارد حرم مطهر امیر مؤمنان علی،

علیه السلام، شدم حضرت ولی عصر، عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که در ناحیه بالا سر

نشسته با صدای بلند و شیوا، قرآن می‌خواند، از این رو آن شعر را خواندم^۲

هر که شبهای جمعه سوره اسرا بخواند...

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ما من عبد قرأ سورة بنی اسرائیل فی کل لیلة جمعة لم یمت حتی یدرک القانم علیه السلام و یموت من اصحابه.

^۲بحار الانوار، جلد 53، صفحه 302

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند نمی میرد تا آنکه زمان قائم آل محمد علیه السلام را درک کند و از یاران او بشود.»³

قرآن گفته تا می توانید قرآن بخوانید...

معمولاً کسی که در مقام وصیت و سفارش است چیزهایی را سفارش می کند که مهم و سرنوشت ساز باشد. یکی از وصایای رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) تلاوت مستمر قرآن است، چنانچه فرموده اند: وَ عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ در همه حال و در هر شرایطی قرآن تلاوت کن بسیاری از عبادات هنگام مریضی، مسافرت یا جهاد در راه خدا از انسان ساقط می شود و یا تخفیف پیدا می کند. اما خداوند تأکید می نماید در این موارد نیز سعی کنید تا می توانید قرآن بخوانید: إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَهُ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ؛ بزودی گروهی از شما بیمار می شوند و گروهی دیگر برای بدست آوردن فضل الهی و (کسب روزی) به سفر می روند و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می کنند (و از تلاوت قرآن باز می مانند)، پس به اندازه ای که ممکن است از آن تلاوت کنید. (سوره مزمل: آیه 20)

همانگونه که انسان برای انجام کارهای روزانه برنامه تهیه می کند و هر روز صبح به برنامه اش نگاه می کند تا کارهای روزانه را مطابق آن انجام دهد، هر مسلمانی که می خواهد به قرآن عمل کند لازم است به طور مستمر و روزانه به قرآن مراجعه کند تا در پرتو دستورات و راهنمایی ها قرآن در دنیا و آخرت کامروا شود.

حضرت امام روزی چند بار قرآن تلاوت می کرد....

خوب است برای دانستن جایگاه ویژه قرائت قرآن در بین عبادت ها به دو خاطره خواندنی از زندگی حضرت امام خمینی (ره) اشاره کنیم چنانچه یکی از بستگان نزدیک امام در این زمینه نقل می کند: یک دفعه که با ایشان در نجف بودیم، چشمشان ناراحت شده بود. دکتر بعد از معاینه چشمشان گفت: «شما باید چند روز قرآن نخوانید و به چشمتان استراحت بدهید.

امام خندیدند و گفتند:

دکتر؛ من چشمم را برای قرآن خواندن می خواهم. چه فایده ای دارد که چشم داشته باشم و قرآن نخوانم؟ شما یک کاری بکنید که من بتوانم قرآن بخوانم حضرت آیه... توسطی از نزدیکان حضرت امام (ره) در زمینه قرائت مداوم و روزانه قرآن به وسیله حضرت امام خمینی (ره) می گوید: امام با همه اشتغالاتی که داشتند، به انجام مستحبات، به ویژه خواندن قرآن، دعا و نماز اول وقت، اهمیت می دادند. امام، هر روز، سه تا پنج مرتبه قرآن می خواندند. در ماه مبارک رمضان، سه بار قرآن را ختم می کردند^۴.

میرداماد شبی 15 بار قرآن خواند...

در حالات ایه الله محمدباقر میرداماد از علمای زمان صفویه آمده است که شبی پانزده جزء قرآن تلاوت می نمود یعنی هر دو شب بیار قرآن کریم را ختم می نمودند.

وقتی آیات اول سوره حج نازل شد و پیامبر ان را برای مردم مدینه قرائت کرد مردم تا صبح گریه کردند...

نقل است وقتی آیات اول سوره حج نازل شد، پیامبر لب بازگشود و این دو آیه را برای آنان تلاوت فرمود:

^۴ <http://qudsonline.ir/news/223053>

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَرْوُنَهَا تَدْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ

((ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، چرا که زلزله [سخت] رستاخیز چیزی سهمگین است. روزی که آن [رویداد هراس انگیز] را می بینید، هر زن شیردهنده ای، آن [کودکی] را که شیر می دهد، [از شدت هراس] از یاد می برد، و هر زن بارداری بار خویشتن را فرو می نهد، و مردم را [بسان] مستانی [بیگانه از خرد و اندیشه] بنگری در حالی که آنان مست نیستند، اما عذاب [هول انگیز] خدا سخت [و وصف ناپذیر] است)). آری، پیامبر این دو آیه تکان دهنده را بر مردم خواند و صدای گریه مجاهدان بود که در آن دل شب و آن دشت خسته و سوزان طنین افکند. آن شب مردم آن قدر گریه کردند و باران اشک از آسمان دیدگان بر دامان خویش فرو بارانند و ضجه زدند که به یادماندنی و بی سابقه بود، و بامداد آن شب به گونه ای از دنیا و ارزش های مادی دل ها گسسته و به زندگی بی رغبت شده بودند که کسی نه دل داشت تا زین بر روی مرکب نهد و نه بردارد و نه کسی انگیزه ای برای برافراشتن خیمه و چادر داشت. بله گروهی در اندوه فرو رفته بودند و گروهی می نگریستند و دسته ای دیگر در اندیشه رستاخیز و آن روز هراس انگیز بودند^۵

در صدر اسلام وقتی مردم بهم می رسیدند سوره عصر برای هم می خواندند...

در صدر اسلام، مسلمانان هنگام خدا حافظی و جدا شدن از یکدیگر سوره عصر را تلاوت می کردند^۶

^۵ منازل الاخره

^۶ تفاسیر نمونه و در المنثور

تبلیغات سوء بر ضد اهل بیت علیهم السلام

بعد از شهادت امام حسین ع و یارانش و اسارت خاندانش، مردم شام که نزدیک چهل سال معاویه در آنجا حکومت کرده بود و همه را ضد اهل بیت علیهم السلام تربیت کرده بود، از کشته شدن اهل بیت علیهم السلام خوشحال بودند و شهر را آذین بسته و مردم جشن گرفته بودند .

کاروان اسراء وارد شام شد و داشتند از مسیری عبور می کردند که پیر مردی آمد و به امام سجاد علیه السلام گفت: شکر می کنم خداوند را که شما را کشت و شهرها را از شما راحت کرد و یزید را بر شما مسلط کرد .

امام سجاد علیه السلام فرمود: ای شیخ آیا قرآن کریم خوانده ای؟ گفت: آری فرمود: آیا این آیه را

1 . سوره اسراء، آیه 82.

2 . داستانهای شگفت، ص 138.

خوانده‌ای «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ».⁽¹⁾

ای پیامبر به مردم بگو در مقابل این همه زحمات پیامبری فقط از شما یک چیز می‌خواهم و آن دوست داشتن اهل بیت من است .

گفت: آری . فرمود: آنان ماییم .

ای پیرمرد آیا این آیه را خوانده‌ای: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ».⁽²⁾

گفت: آری . فرمود: ماییم قری و نزدیکان رسول الله .

ای پیرمرد آیا این آیه را خوانده‌ای: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».⁽³⁾

بدرستی که خدا اراده کرده پلیدی را از شما برداشته و شما را پاکیزه و معصوم نماید .

گفت: آری . فرمود: ماییم اهل بیتی که قرآن ما را به این آیه مخصوص گردانیده . پیرمرد ساکت شده و از سخنان خود پشیمان شد و گفت: شما را به خدا شما آنهایی؟

حضرت فرمود: بخدا سوگند بدون شک ماییم و رسول الله جد ما است .

پیرمرد شروع به گریه کرد و عمامه‌اش را انداخت و سر به آسمان برداشت و گفت: خدایا من از دشمنی اهل بیت به تو پناه می‌برم .

آنگاه پرسید: آیا برای من توبه است؟ فرمود: آری اگر توبه کنی خدا توبهات را قبول می کند و تو جزء ما حساب می شوی . پس سه بار گفت: «اللهم انی اتوب الیک»⁽⁴⁾.

امام اولی الامر و صاحب اختیار مسلمین است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

درباره آیه فوق جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد که اولی الامر که ما باید از آنها اطاعت کنیم کیانند؟ و حضرت فرمود: جانشینان من که اول آنها علی علیه السلام و بعد حسن علیه السلام و حسین علیه السلام

1. سوره شوری، آیه 23.

2. سوره انفال، آیه 42.

3. سوره احزاب، آیه 33.

4. زندگی امام حسین علیه السلام .

سپس علی بن الحسین آنگاه محمد باقر که تو او را می بینی پس سلام مرا برسان ! سپس جعفر صادق و بعد از او موسی کاظم و بعد از او علی الرضا و بعد از او محمد جواد و بعد

از او علی هادی و بعد از او حسن عسگری و بعد از او قائم منتظر مهدی علیه السلام هستند که بعد از من امام و پیشوا خواهند بود. ⁽¹⁾

اگر پرسند چرا در قرآن کریم اسامی دوازده امام شیعیان نیامده است؟ جواب می دهیم که اسامی این بزرگواران در قرآن کریم در جاهای مختلف ذکر شده است منتهی باید کمی دقت کرد. از جمله در سوره نور.

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ⁽²⁾ «35»

جابر می گوید در مسجد کوفه دیدم علی ع با سنگ چیزی بر زمین می نویسد و تبسم می کند. علت را پرسیدم. فرمود تعجب می کنم از کسانی که این آیه را می خوانند معنای آن را نمی دانم. پرسیدم کدام آیه؟ حضرت آیه فوق را تلاوت کردند و توضیح دادند که:

مشکات، پیامبر است. مصباح منم. دوتا زجاجه، حسنین هستند. کوكب دری، امام سجاد است. شجره مبارکه، امام باقر است. زیتونه، امام صادق است. لا شرقیه، امام کاظم است. لا غربیه، امام رضا است. زیتها یضیی، امام جواد است. لم تمسسه نار، امام هادی است. نور علی نور، امام عسگری است. یهدی الله لنوره من یشاء، امام زمان مهدی آل محمد است. ⁽³⁾

1. اثبات الهدی، ج 3، ص 123.

2. نور

3. تفسیر جامع ذیل آیه 35

علی بن اسباط می گوید: وقتی خدمت امام جواد (ع) رفتم و اندام کم سن و سال او را برانداز کردم، ناگاه حضرت فرمود: همانطور که خداوند، بعضی از پیامبران را در سنین کم، حجت خود قرار داد، امام را هم همینطور قرار می دهد. قرآن کریم می فرماید: «وَأَتَيْنَاهُ الْحَكَمَ صَبِيًّا» ما به عیسی در کودکی حکمت دادیم. و باز می فرماید: «لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» یعنی زمانی که او بزرگ شد و به چهل سالگی رسید... که نشان می دهد جایز است در کودکی حکیم باشد و جایز است در چهل سالگی باشد.

اشاعه فرهنگ قرآن

همه مردم قرآن کریم را فرا گرفته و از آن بهره مند می شوند .

امیرالمؤمنین علیه السلام با اشاره به قیام حضرت مهدی «عج» می فرماید: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلَمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ»؛

گویا شیعیان ما اهل بیت علیهم السلام را می بینم که در مسجد کوفه گرد آمده اند و خیمه هایی برافراشته اند و در آن ها قرآن کریم را آن چنان که نازل شده است، به مردم یاد می دهند.^۷

از جمله سخنان بسیار مهم و سرنوشت ساز پیامبر اسلام ص (که اگر به آن عمل می شد شاهد این همه اختلافات در بین مسلمین نبودیم) این حدیث است که به حدیث ثقلین معروف شده است که حضرتش در آخرین ایام عمر بابر کتشان فرمودند:

انا تارك فيكم ثقلين اولهما كتاب الله... واهل بيتي^(۱)

من در میان شما دو چیز بسیار باارزش می گذارم یکی قرآن کریم و یکی اهل بیتم .

قرآن کریم از دیدگاه قرآن و سنت

قرآن کریم کتابی است که :

*انسان را به بهترین آئین هدایت می کند: انّ هذا القرآن يهدي للّتي هي اقوم^(۲)

*باعث بیداری انسانها از غفلت است: انّ هو الاّ ذكرٌ للعالمين.^(۳)

2. نهج البلاغه، ترجمه و شرح علینقی فیض الاسلام، خ 138، ج 3، ص 424، مرکز نشر آثار فیض الاسلام.

* پر از مثلها و اندرزها و اسرار خلقت و نظام آفرینش است: ولقد ضربنا للناس فی هذا القرآن مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ.⁽⁴⁾

* چون خالی از هرگونه کجی و نادراستی است، باعث تقوای انسانها می گردد: قرآناً عربیاً غیر ذی عوجٍ لَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ.⁽⁵⁾

* جدا کننده حق از باطل است: شهر رمضان الذی أنزل فیهِ القرآن هدی للناس و بیناتٍ مِنْ الْهُدَى وَالْفِرْقَانِ.⁽⁶⁾

* نور است و با نور خود، افراد را به راه راست هدایت می کند: کتابٌ انزلناه الیک لتُخرج الناس من الظلمات الی النور.⁽⁷⁾

* برای مؤمنین، شفا و هدایت و برای ظالمین و ستمکاران، ضرر و گمراهی بیشتر است: وَنُزِّلُ الْقُرْآنَ شَفَاءً وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِینَ وَلَا یَزِیدُ الظَّالِمِینَ إِلَّا خَسَاراً.⁽⁸⁾

1. صحیح بخاری 122/7

2. اسراء 9

3. ص 87

4. زمر 27

5. زمر 28

6. بقره 184

7. ابراهیم 1

8. اسراء 82

و...

خداوند سبحان خود صفات و نامهایی را برای قرآن کریم ذکر کرده است از جمله:

نور، مبین، فرقان، هدی، کتاب، کریم، رحمت، مصدق، نذیر، بینة،

حکم، عدل، بیان، روح، بشری، تبیان، مجید، حکیم، عزیز، موعظة

، تذکره، کوثر، بلاغ، تنزیل، صدق، برهان، قیّم، حق، عجب، عربی،

مهیمن، مرفوعة، مطهرة، نبأ، متشابه، بصائر، علیّ، تفصیل، امر، احسن الحدیث و..

رسول خدا (ص) فرمودند:

«هر که در کودکی قرآن بخواند، به حکمت دست یافته است.»

«کسی که در دلش از قرآن خالی است، مثل خانه خراب است»

«هرگاه دوست دارید با خدا حرف بزنید قرآن بخوانید.»

«قرآن را خوانده و آنرا ظاهر کنید که خداوند سبحان دلی را که از قرآن پر شده عذاب نکند.»

«هر که قرآن بخواند، نبوت در دلش وارد شده غیر اینکه به او وحی نمی شود.»

«اگر دوست دارید که مثل افراد سعادتمند زندگی کرده و مانند شهیدان بمیرید و در روز قیامت نجات یابید و در حرارت قیامت در سایه باشید و در روز گمراهی کافران، هدایت یافته باشید پس با قرآن انس بگیرید که کلام خداوند رحمن است و پناهگاهی در مقابل شیطان و باعث سنگینی میزان است.»

«فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنستکه در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنستکه برای فرزندش نام نیکو بگذارد و ادب نیکو به او بیاموزد و قرآن را به او تعلیم نماید.»

«خانه ای که در آن قرآن تلاوت می شود و یاد خدا در آن می گردد، برکتش زیاد شده و ملائکه در آن حاضر می شوند و شیاطین از آن فرار می کنند و آن خانه برای اهل آسمان می درخشد همانگونه که ستارگان برای اهل زمین می درخشند.»

امیر مؤمنان (ع): «اگر بخواهم آن قدر در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» می گویم که اگر از آن کتابی تشکیل دهید، بار هفتاد شتر می شود. و فرمود: از فتنه ها از من بپرسید و بدانید که من خبر دارم در کجای زمین چه فتنه ای واقع می شود و چه کسی در کجای زمین

کشته می شود و می میرد! از راههای آسمان از من سؤال کنید که حقیقتاً من به راههای آسمان از زمین آشنا ترم!»

«بدانید که این قرآن، ناصحی است که کلک نمی زند. و هدایتگری است که گمراه نمی نماید و سخنگویی است که دروغ نمی گوید و هر که با قرآن همیشنی کرد، هدایتش زیاد و گمراهیش کم شد.»

«زیباترین قصه و بلیغ ترین موعظه و سودمندترین تذکر کتاب الهی است.»

«پنج چیز نور چشم را زیادمی کند: نگاه به کعبه، نگاه به خط قرآن، نظر به روی والدین، نگاه به صورت عالم و نگاه به آب جاری.»

«قرآن ظاهرش زیبا و باطنش عمیق است.»

امام صادق (ع): «خواندن قرآن از روی مصحف باعث تخفیف عذاب پدر و مادر اگر چه کافر باشند، می شود»

امام عسگری (ع): «خطاب به شیعیان: شما را سفارش می کنم به: تقوا، ورع در دین، تلاش برای خدا، سخن راست، امانتداری خواه امانت مال فاجر باشد یا نیکو کار، سجده های طولانی، خوب همسایگی کردن، ...»

تقوا پیشه کنید و زینت ما باشید نه عیب ما!

«امام سجاد (ع): اگر همه اهل زمین بمیرند و من باشم و قرآن. من دچار وحشت نمی شوم.»⁽¹⁾

«امام علی (ع) خطاب به پسرش: علم را با تعلیم قرآن و تأویل آن و تعلیم شرایع اسلام و احکام قرآن و حلال و حرام آن شروع کن و سراغ علم دیگری نرو.»⁽²⁾

1. احادیث فوق از کتاب با قرآن بیشتر آشنا شویم نقل شد

2. بحارج 1 ص 219

او پرسید: پیامبر شما گفته است برتر از سایر پیامبران است. حضرت آدم علیه السلام این فضیلت را داشت که همه فرشتگان بر او سجده نمودند. آیا پیامبر شما چنین فضیلتی داشته است؟

علی علیه السلام: سجده فرشتگان برای آدم علیه السلام یکبار بود. ولی خداوند سبحان خود و ملائکه اش تا روز قیامت بر محمد صلی الله علیه و آله صلوات می فرستند. همانطور که خداوند سبحان در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا».^۸

1. سوره احزاب، آیه 56.

حقیقتاً خدا و ملائکه اش بر پیامبر صلوات می فرستند . ای مؤمنین ! شما هم بر پیامبر خدا صلوات و سلام بفرستید .

پیامبر اسلام آنقدر مقامش نزد خداوند سبحان بالا است که خدا و فرشتگان شبانه روز بر او رحمت و صلوات می فرستند و به همه مؤمنین هم دستور داده این کار را بکنند .

فرستادن صلوات در هنگامی که نام پیامبر برده می شود مستحب است و در تشهد نماز واجب است .

فرستادن صلوات باعث بالا رفتن درجه پیامبر و آل او می شود و برای ما آثار مهمی در دنیا و آخرت دارد از جمله:

1- گناهان را پا می کند و کفاره گناهان می شود .

2- حاجتها برآورده می شود .

3- با صدای بلند صلوات فرستادن، نفاق را برطرف می نماید .

4- اخلاق را خوب می نماید .

5- سلامتی جسم می آورد .

6- چیز فراموش شده را بیاد می آورد .

7- برطرف کننده قرض است .

8- شیطان را دور می ند .

1. *احزاب 56

9-دهان را خوشبو می نماید .

10-اموال را حفظ می نماید .

11-پایان دهنده به دعواهاست .

12-سروصدای مجلس را آرام می سازد .

13-کسی که صلوات بفرستد هزار صف از فرشتگان بر او هر کدام هزار صلوات می فرستند

14-استجاب دعا را به همراه دارد .

15-در قیامت در ترازوی میزان چیزی سنگین تر از صلوات نیست .

16-دفع عطش در قیامت است .

17-در قیامت مورد شفاعت پیامبر خدا ص قرار می گیرد .

18-نزدیکترین شخص به پیامبر ص در قیامت است .⁽¹⁾

داستانهای زیادی درباره معجزات صلوات در کتابها ذکر شده که به یک نمونه از کتاب*چهره نورانی قمر بنی هاشم نوشته آقای ربانی خلخالی*اشاره می شود:

آیه الله سید طیب جزائری که الان در قم هستند نقل می کنند که در زمان طاغوت می خواستیم به عراق برویم ولی درب سفارت خانه عراق بسته بود و روایت نمی دادند .

ما هزار صلوات برای ام البنین س نذر کردیم . در همان روز به آسانی به وسایلی که خدا جور کرد روایت از سفارت عراق گرفتیم .

صلوات یکی از ذکرهای مهمی است که خوب است انسان بر آن مداومت داشته باشد تا به خدا و رسول تقرب پیدا کند و از سخن لغو و بیهوده نجات یابد. در مواقع مسافرت یا نگهبانی یا اوقات بیکاری یکی از بهترین عملها فرستادن صلوات است.

مجالس ختم صلوات در بسیاری از شهرهای ایران رایج است که شیعیان می نشینند و تعدادی صلوات ختم می کنند. از این مجالس آثار عجیبی از استجاب دعاها دیده شده حتی فرد سرطانی با برگزاری ختم صلوات نجات یافته است

مادر کتابها در نزد اوست...

علی علیه السلام فرمود:

اگر آیه «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»^۹.

یعنی خداوند سبحان آنچه بخواهد محو می کند و آنچه بخواهد اثبات می نماید و مادر کتابها در نزد اوست .

نبود، حوادث گذشته و آینده را برایتان می گفتم .

هر سه روز یک قرآن ختم می کرد...

امام رضا علیه السلام هر سه روز یک قرآن ختم می کرد و می فرمود اگر بخواهم می توانم در کمتر از سه روز هم ختم نمایم ولی من هیچ آیه ای را نمی خوانم الا اینکه درباره آن فکر می کنم که برای چه نازل شده و درچه محلی فرو فرستاده شده است .

در بستر که دراز می کشید صدای قرائت قرآن حضرت بگوش می رسید .

وقتی در تلاوت قرآن کریم به آیه ای می رسید که در آن ذکر بهشت یا جهنم شده بود، گریه می کرد و از خداوند سبحان بهشت را می طلبید و از جهنم به خداوند سبحان پناه می برد .

وقتی یک عبا به دعبل خزاعی هدیه داد، فرمود:

2. سوره رعد، آیه 39.

در این عبا هزار شب، شبی هزار رکعت نماز خوانده‌ام و در این عبا هزار ختم قرآن کرده‌ام .

اخلاق پیامبر اعظم ص، آنقدر با عظمت است که خداوند سبحان در قرآنش از اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله تعریف کرده است و فرموده است:

«إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» تو اخلاقت عظیم است .

جابر بن یزید جُعفی می گوید:

از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: مراد از ملکوت آسمان و زمین که به حضرت ابراهیم علیه السلام نشان دادند، همانطور که در قرآن کریم آمده که «و نُرى ابراهيم ملكوت السموات والارض» (ما ملکوت آسمان و زمین را به ابراهیم نشان دادیم) چیست؟

امام دست مبارک خود را بطرف آسمان برداشت و فرمود: بمن نگاه کن ! چه می بینی؟

من دیدم که نوری از دست امام بطرف آسمان امتداد داشت، بطوری که چشمها را خیره می کرد . امام فرمود: ابراهیم علیه السلام ملکوت آسمان و زمین را چنین دید . سپس امام دست مرا گرفت و به داخل اطاقی برد و لباس خود را عوض نمود و فرمود: چشم خود را ببند ! من بستم . امام فرمود: می دانی کجاهستی؟ گفتم: نه ! فرمود: در آن ظلمتی که ذوالقرنین از آنجا عبور کرد .

گفتم: اجازه می‌دهید چشمم را باز کنم؟ فرمود: باز کن ولی چیزی نمی‌بینی! من باز کردم ولی آنقدر تاریک بود که حتی جای پای خود را نمی‌دیدم. سپس با امام مقداری راه رفتیم. فرمود: می‌دانی کجا هستی؟ گفتم: نه! فرمود: بر سر آن چشمه‌ای که خضر از آن آب حیات خورد! بعد امام مرا از عالمی به عالم دیگر می‌برد تا پنج عالم را طی کردیم. امام فرمود: ابراهیم علیه السلام ملکوت آسمان و زمین را که دوازده عالم است این چنین دید که تو دیدی! و هر امامی بیاید در یکی از این عالمها ساکن شود تا اینکه قائم «عج» ظهور کند.

بعد فرمود: چشمانت را ببند و باز کن! وقتی بستم و باز کردم، خود را در خانه امام دیدم. امام علیه السلام باز لباس خود را عوض کرد.⁽¹⁾

1. حدیقه الشیعه. - بحار الانوار 280/46

آیات بیشماری در قرآن کریم بر معاد دلالت دارد و خداوند سبحان کسانی را که قیامت را انکار کنند به عذاب دردناک تهدید نموده است.

«إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا عَظِيمًا».⁽¹⁾

یعنی: آنانی که به جهان دیگر اعتقاد ندارند، برای آنان عذاب دردناک است.

1. سوره اسراء، آیه 10.

نزدیک به هزار آیه در قرآن کریم مربوط به معاد است که از لحظات مردن تا عالم برزخ و روز قیامت و بهشت و جهنم سخن گفته . از جمله این آیات:

1 - همه موجودات به غیر از ذات اقدس الهی فانی می شوند . «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۝۳ وَجَهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»⁽²⁾ یعنی هر که بر روی زمین است می میرد بجز خدای صاحب جلال و اکرامت .

2 - هر شخصی باید مزه مرگ را بچشد ! «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»⁽³⁾.

3 - مأمورین قبض روح، کفار را با شکنجه و مؤمنین را بشارت و سرور قبض روح می نمایند . «وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا» قسم به فرشتگانی که جان کفار را با غضب می گیرند . و جان مؤمنین را با بشارت و رحمت می گیرند . «وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا» قسم به فرشتگانی که جان مؤمنین را با خوشی قبض می کنند .

4 - شیطان می خواهد مؤمن را در هنگام جان دادن گول بزند ! (خداوند سبحان اهل ایمان را در دنیا و آخرت ثابت قدم و استوار نگه می دارد.)⁽⁴⁾

1 . بحار، ج 44، ص 181.

2 . سوره الرحمن، آیه 26.

3 . سوره آل عمران، آیه 185.

4. سوره ابراهیم، آیه 3.

نشان دادن علی علیه السلام بعد از شهادتش

بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، عده‌ای نزد امام حسن علیه السلام آمدند و درخواست کردند که: از آن معجزاتی که پدرت داشت، تو هم یکی بما نشان بده!

امام فرمود: آنگاه ایمان می‌آورید؟

گفتند: آری! بخدا سوگند ایمان می‌آوریم.

حضرت گوشه پرده را کنار زدند. ناگاه مردم مشاهده کردند که علی علیه السلام در آنجا نشسته است.

امام فرمود: این شخص را می‌شناسید؟

گفتند: آری این امیرمؤمنان علی علیه السلام است. ما همگی شهادت می‌دهیم که تو حجت بر حق خدایی و تو بعد از علی علیه السلام امام هستی. همانطور که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام او را در مسجد قبا به ابوبکر نشان داد، تو هم امیرمؤمنان را بما نشان دادی.

امام فرمود: مگر سخن خداوند سبحان را در قرآن نخوانده‌اید که می‌فرماید:

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»⁽¹⁾ (به کشته‌های در راه خدا مرده نگوئید بلکه آنان زنده بوده ولی شما متوجه نمی‌شوید)

وقتی که شهداء این مقام را داشته باشند که بعد از شهادت زنده باشند، درباره ما چه می‌توانید بگوئید؟

همگی گفتند: ای فرزند رسول خدا! ما ایمان آوردیم و تو را تصدیق می‌کنیم.⁽²⁾

1. سوره بقره، آیه 154.

2. بحار، ج 43.

دلایل رجعت از آیات قرآن کریم، از کتاب حق الیقین علامه مجلسی، بشرح زیر است:

1 - «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»⁽¹⁾.

یعنی: چون عذاب خداوند سبحان بر آنان واقع شود، دابه زمین را بیرون آوریم که با مردم سخن گوید! بدرستی که آن مردم به آیات مایقین ندارند.

که طبق روایات، مراد از دابه، علی علیه‌السلام است که نزدیک قیامت، به دنیا رجعت، خواهد کرد.

اصبغ بن نباته می‌گوید: معاویه بمن گفت: شما شیعیان گمان می‌کنید، دابه الارض،

1. سوره نمل ، آیه 82.

علی (ع) است؟ گفتم: تنها ما نمی گوئیم، بلکه یهود نیز چنین عقیده‌ای دارند! معاویه بدنبال اعلم علماء یهود فرستاد. وقتی که آمد، پرسید: شما مسئله دابۀ الارض را در کتب خود دیده‌اید؟ گفت: آری!

معاویه پرسید: آن چیست؟ گفت: مردی است! پرسید: نامش چیست؟ گفت: الیا! پرسید: الیا به چه اسمی نزدیک است؟ گفت: علی! ⁽¹⁾

2 - «وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ امَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ» ⁽²⁾

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه در رجعت است که خداوند سبحان از هر امتی، فوجی را زنده می کند. ⁽³⁾

3 - قصص 85 «إِنَّ الْأَذَىٰ فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادِّكَ إِلَى الْمَعَادِ».

یعنی: آنکه قرآن را بر تو واجب کرد، تو را بر محل برگشتن، برمی گرداند.

در احادیث زیادی وارد شده است، مراد رجعت حضرت رسول اکرم به دنیا است. ⁽⁴⁾

4 - آل عمران 158: «وَكَلَّيْنِ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَإِلَهِ اللَّهِ تُخْشَرُونَ».

یعنی: اگر در راه خدا، کشته شوید و یا بمیرید، هر آینه بسوی خدا محشور می شوید.

که روایات زیادی نقل شده که این آیه در رجعت است . و مراد از راه خدا، راه ولایت علی علیه السلام و ذریه اوست . و هر که به این آیه ایمان داشته باشد اگر بمیرد، در رجعت بر می گردد تا در راه اهل بیت کشته گردد و اگر در دنیا کشته شود، در رجعت بر می گردد تا بمیرد! ⁽⁵⁾

5- آل عمران 185: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» .

یعنی: هر شخصی، چشنده مرگ است .

در تفسیر این آیه آمده است که هر که کشته نشود، مرگ را نچشیده است! پس در رجعت، به دنیا بر می گردد تا مرگ را بچشد. ⁽⁶⁾

6- آل عمران 81: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ

1. حق یقین -بحار الانوار 112/53

2. سوره نمل ، آیه 83.

3. حق یقین -تفسیر قمی 24/1

4. حق یقین -تاویل الایات 416/

5. حق یقین -البرهان فی تفسیر القرآن 706/1

6. حق الیقین - تفسیر العیاشی 202/1

مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ».

یعنی: آنگاه که خدا از پیامبران پیمان گرفت که چون شما را کتاب و حکمت دادم، سپس پیامبری نزد شما آمد، که آنچه را با شماست، باور داشت و راست انگاشت، باید به او بگروید و یاریش کنید. - آنگاه - گفت: آیا اقرار می‌کنید و بر این، پیمان مرا می‌پذیرید؟ گفتند: اقرار داریم. فرمود: پس گواه باشید و منهم با شما از گواهانم.

در روایات است که مراد از آیه فوق، رجعت است. و امام صادق علیه السلام فرمود: یعنی: پیامبران به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان خواهند آورد و حضرت علی علیه السلام را در رجعت، یاری می‌کنند. سپس فرمود: بخدا سوگند! هر پیامبری را که خدا مبعوث گردانیده است، از آدم و هر که بعد از اوست، همه آنها به دنیا بر می‌گردند و در کنار حضرت امیر صلی الله علیه و آله جهاد می‌کنند.⁽¹⁾

7 - سجده 21: «وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْيِ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ».

یعنی: البته آنان را عذاب نزدیکتر قبل از عذاب بزرگتر می‌چشانیم، شاید برگردند.

امام صادق علیه السلام فرمود: عذاب نزدیکتر، عذاب رجعت است که با شمشیر، آنها را عذاب خواهند کرد و عذاب بزرگتر، قیامت است. و مراد از برگشتن و زنده شدن در رجعت است.⁽²⁾

8 - غافر 11: «رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ» .

یعنی: خدایا! ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی!

در احادیث وارد شده است که یکبار زنده شدن در رجعت است و دیگری در قیامت! و یکبار مردن در دنیا و دیگری در رجعت است.⁽³⁾

9 - مائده 20: «إِذْ جَعَلَكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا» .

یعنی: زمانی که شما را پیامبر و پادشاه گردانید!

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبران، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام و

1. حق الیقین - تفسیر قمی 106/1

2. حق الیقین - تفسیر قمی 170/2

3. حق الیقین - تفسیر جامع 114/6

ذریه اویند . و پادشاهان، ائمه اند! راوی گفت: خداوند سبحان چه پادشاهی بشما داده است؟ فرمود: پادشاهی بهشت و پادشاهی رجعت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب!⁽¹⁾

10 - نساء 159: «وَأَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» .

یعنی: هیچ فردی از اهل کتاب (یهود و نصاری) نیست مگر اینکه قبل از مرگش به عیسی علیه السلام ایمان خواهد آورد!

شهر بن خوشب، گفت: حجاج به من گفت: من تفسیر آیه مذکور را نفهمیده‌ام! زیرا گاهی شده است که حکم اعدام فردی یهودی یا نصرانی را صادر کرده‌ام ولی موقع مردنشان، ندیدم که سخنی بگویند - و به عیسی علیه السلام، ایمان بیاورند - من جواب دادم: ای امیر! این مراد نیست که شما فهمیده‌اید! گفت: پس چه معنایی دارد؟

گفتم: حضرت عیسی علیه السلام، قبل از قیامت، از آسمان به زمین می‌آید و همه یهود و نصاری، به او ایمان می‌آورند! و او پشت سر حضرت مهدی «عج» نماز می‌خواند. حجاج گفت: این مطلب را از کجا نقل می‌کنی؟ گفتم: از امام پنجم علیه السلام شنیده‌ام. گفت: بخدا سوگند! از چشمه صافی برداشته‌ای!⁽²⁾

11 - انبیاء 95: «وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهُمْ أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ».

یعنی: حرام است برگشت قومی که ما آنها را عذاب نمودیم امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فرمودند: هر قومی که حق تعالی، آنها را به عذاب، هلاک نموده است، در رجعت، برنخواهند گشت.⁽³⁾

12 - یونس 39: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِيهِمْ تَأْوِيلُهُ».

یعنی: بلکه تکذیب می‌کنند، آنچه را که علم و تأویلش را نمی‌دانند.

امام پنجم علیه السلام فرمود: این آیه در باب رجعت است که هنوز وقت آن نیامده است و آنها آنرا تکذیب کرده و می‌گویند: رجعت، نخواهد آمد!⁽⁴⁾

13- طه 124: «إِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» .

یعنی: بدرستی که برای او زندگی سختی خواهد بود .

1. حق یقین -الرهان فی تفسی القرآن 226/2

2. حق یقین -تفسیرقمی 158/1

3. حق یقین -البرهان فی تفسیر القرآن 91/1

4. حق یقین -تفسیرقمی 312/1

روایت شده که این آیه در زمان رجعت است خوراک و دشمنان اهل بیت در آن زمان، عذره انسان خواهد بود. ⁽¹⁾

14 - غافر 51: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» . یعنی:

بدرستی که ما رسولان خود و مؤمنین را در زندگانی دنیا و در روزی که برای شهادت می/ایستند، یاری می/کنیم .

امام صادق علیه السلام فرمود: یاری خدا، در زمان رجعت است . زیرا بسیاری از پیامبران، در دنیا یاری نشدند تا زمانی که از دنیا رفتند. ⁽²⁾

15 - اعراف 96: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ

الْأَرْضِ» .

یعنی: اگر اهل سرزمینها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، از آسمان و زمین، برکات، بر آنها نازل می‌کردیم.

امام حسین علیه‌السلام فرمود: این آیه در زمان رجعت است که خداوند تعالی، برکات را از آسمان به زمین می‌فرستد، بطوری که شاخه‌های درختان میوه‌دار، از بسیاری میوه بشکند و میوه تابستان در زمستان و میوه زمستان در تابستان، بعمل آید.⁽³⁾

16 - اسراء 6: «ثُمَّ رَدَدْنَاكُمْ آلَکَرَّةِ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا».

یعنی: بار دیگر پیروزی را بر علیه آنان، برای شما قرار دادیم. و شما را با ثروتها و پسران یاری کرده و لشکر شما را زیادتر قرار دادیم

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر این آیه فرمود: اولین کسی که به دنیا برمی‌گردد، امام حسین علیه‌السلام و اصحابش و یزید و یاران - پلید - او می‌باشند. سپس امام، همه دشمنان را بکشد، همانطوری که آنها او را کشتند.⁽⁴⁾

17 - النازعات 7: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ».

یعنی: روزی که می‌لرزاند، لرزاننده. در حالی که لرزاننده دیگری در پی آن در آید.

امام صادق علیه‌السلام در تأویل این آیه فرمود: راجفه، حسین بن علی علیه‌السلام است و رادفه، علی بن ابی طالب علیه‌السلام است. اولین شخصی که از قبر بیرون می‌آید، حسین بن علی علیه‌السلام با هفتاد

1. حق الیقین - تفسیر قمی 65/2

2. حق الیقین - تفسیر قمی 258/2

3. حق الیقین - میزان الحکمه 256/1

4. حق الیقین - تفسیر العیاشی 282/2

و پنج نفر می باشند.⁽¹⁾

18 - نبأ 3: «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ».

یعنی: هرگز! بزودی خواهند دانست. سپس بزودی می فهمند.

امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از دانستن اول، در رجعت است و مراد از دانستن دوم، در قیامت است.⁽²⁾

19 - بقره 193: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ».

یعنی: بکشید آنان را تا زمانی که دیگر فتنه نباشد و همه دین برای خدا باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: مصداق این آیه، در زمان حضرت مهدی «عج» و رجعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله خواهد بود.⁽³⁾

20 - هود 49: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»

یعنی: عاقبت، با اهل تقوا خواهد بود.

روایت شده است که: این آیه در رجعت است که حکومت آل محمد صلی الله علیه و آله ، تأسیس می شود . عمر حکومتها از زمان آدم علیه السلام تا ایام رجعت، بیست هزار سال است و مدت حکومت آل محمد صلی الله علیه و آله هشتاد هزار سال طول می کشد! ⁽⁴⁾

1. حق یقین - تفسیر فرات / 537

2. حق یقین .

3. حق یقین .

4. حق یقین .

پیامبر خدا فرمود:

کسی که قرآن را حفظ کند و عمداً آنرا فراموش کند، در قیامت، دست و پا بریده و درغل و زنجیر، محشور شده و برای هر آیه‌ای که فراموش کرده، ماری را بر او مسلط می کنند!

کسی که قرآن را برای ریاء بخواند، روز قیامت با صورتی تاریک و بدون گوشت، محشور شده و قرآن بر پشتش می زند تا داخل جهنم شود . و کسی که قرآن را یاد بگیرد و به آن عمل نکند، روز قیامت، کور محشور می شود و می گوید: خدایا! چرا مرا کور محشور کردی در حالی که من چشم داشتم؟ گفته می شود: زیرا تو آیات الهی را فراموش کردی و الان خودت فراموش می شوی! سپس به دوزخ برده می شود! و کسی که قرآن را

برای مباحثات بر علماء یا برای طلب دنیا، یاد بگیرد، خداوند سبحان در قیامت استخوانهای او را پراکنده می کند !

- روز قیامت، هر سوره قرآن بر در جهنم می ایستد و نمی گذارد قاری او به جهنم برود !

«امام حسن مجتبی علیه السلام : کسی که به مسجد رفت و آمد کند یکی از این هشت فایده نصیبش می شود:

1 - استفاده از آیات قرآن.

2 - یافتن رفیق خوب.

3 - فراگیری علم تازه.

4 - برخورداری از رحمتی که منتظرش بود .

5 - شنیدن سخنی که راهنمای اوست.

6 - در امان بودن از انحراف.

7 - ترک گناه از روی حیاء.

8 - ترک گناه از ترس خدا.⁽⁴⁾

4. تحف العقول، ص 258.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به دیدار سلمان فارسی آمد و دید سلمان کمر درد دارد . و خیلی شدید ناله می کند . فرمودند: سلمان ! مثل اینکه درد به تو خیلی فشار آورده است؟ همین طور که نشسته ای یا خوابیده ای نماز بخوان !

سلمان گفت یا رسول الله ! مگر نماز برای کمر دردم خوب است؟ حضرت فرمودند: مگر در قرآن نخوانده ای که «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ». ⁽¹⁾ ⁽²⁾

1. اخلاق و خودسازی، آیه الله حسین مظاهری، انتشارات پیام آزادی.

2. سوره بقره، آیه 45.

در یکی از سفرهای عبدالله بن عباس به او خبر دادند که برادرت از دنیا رفت . عبدالله گفت: (أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) آن گاه از مرکب فرود آمد و به کناری رفت و دو رکعت نماز خواند . پس از آن ساعتی با وقار و آرامش نشست و چون از جایش برخاست این آیه را می خواند: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ». ⁽²⁾

از صبر و نماز یاری جوئید و این کار جز برای خاشعان، گران است .»

2. سوره بقره، آیه 45.

«امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین به لشکریان تحت امرش فرمود - شما انشاء الله فردا با دشمن درگیر می شوید . پس امشب را بیشتر به نماز مشغول باشید و قرآن را بسیار تلاوت کنید و از خداوند سبحان صبر و پیروزی بطلبید .» ⁽²⁾

2. بحار، ج 35، ص 100.

جایگاه روزه در قرآن

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»⁽¹⁾

یعنی ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است. قرآنی که باعث هدایت مردم بوده و نشانه هدایت و جداکننده حق از باطل است. هر که ماه رمضان را درک کند باید روزه بگیرد و اگر مریض یا مسافر بود در وقت دیگری قضا کند. خداوند سبحان راحتی شما را می خواهد و سختی شما را نمی خواهد. هدف این است که با گرفتن روزه در ایام خاص، خدا را بخاطر هدایت شما با بزرگی یاد کرده واز او تشکر کنید.

1. سوره بقره، آیه 185.

امام رضا علیه السلام: برای این روزه در رمضان واجب شد زیرا این ماه نزول قرآن است و شب قدر که افضل از هزار ماه است در این ماه قرار دارد. و برای این یک ماه روزه واجب شده زیرا همه می توانند یک ماه را روزه بگیرند.

احترام به قرآن

آمده است که: پادشاه عربستان به ایران آمد و برای آیه الله بروجردی هدایایی فرستاد البته ایشان جز قرآن ها و مقداری از پرده کعبه، مابقی را رد کردند) و در ضمن، درخواست ملاقات با ایشان را کرد ولی آیه الله بروجردی پاسخ رد دادند. و درباره علت این امر فرمود: این شخص اگر قم بیاید و به زیارت حضرت معصومه علیها السلام نرود، توهین به آن حضرت خواهد بود و من چنین امری را به هیچ وجه، تحمل نمی کنم.⁽¹⁾

در سفر دیگری، هیئتی به سرپرستی یکی از علماء سعودی بخدمت ایشان آمدند و هدایائی از قبیل یک دست لباس و یک جلد کلام الله مجید و... از طرف حکومت آن کشور برای ایشان آورده بودند که آن مرحوم، هدایا را بجز قرآن، قبول نفرمودند.

1. حوزه، ش 44 ت 43، ص 117.

قرآن قرن بیست و یکم!

در قرآنی که مستکبرین در امریکا اخیرا چاپ کرده اند و بنام قرآن بیست و یکم است همه آیات جهاد را حذف نموده اند زیرا جهاد است که نمی گذارد مستکبرین بر مسلمین حاکمیت پیدا نمایند

اهمیت دادن قرآن به علم و دانش

بیش از 550 بار واژه علم در قرآن کریم آمده است و ارزشی که اسلام برای علم دارد در تاریخ بشریت بی سابقه است. و تعلیم علم و دانش به بشریت از مهمترین اهداف ارسال رسل و انزال کتب الهی بوده است.

هدف اصلی انبیاء دو چیز بوده است: تزکیه انسانها و آموختن کتاب و حکمت به آنان .

هو الذی بعث فی الامیین رسولا یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و
الحکمه (جمعه 1)

هو خدایی است که در بین مردم بیسواد پیامبری را مبعوث کرد تا آیات الهی را
بر آنها تلاوت کند و آنها را تزکیه کرده و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد.

هَلْ یَسْتَوِی الذِّینَ یَعْلَمُونَ وَ الذِّینَ لَا یَعْلَمُونَ⁽¹⁾

آیا آنان که می دانند با آنان که نمی دانند برابرند؟

إِنَّمَا یَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ⁽²⁾

فقط دانشمندان و علماء هستند که خدا ترسند.

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا⁽³⁾

خداوند سبحان همه اسمها را به حضرت آدم ع یاد داد.

یَرْفَعُ اللَّهُ الذِّینَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الذِّینَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ⁽⁴⁾

خداوند سبحان درجات مومنین و دانشمندان را بالا می برد.

1. زمر 9

2. فاطر 28

3. بقره 31

4. مجادله 11

«امام علی علیه السلام خطاب به پسرش: علم را با تعلیم قرآن کریم و تأویل آن و تعلیم شرایع اسلام و احکام قرآن و حلال و حرام آن شروع کن و سراغ علم دیگری نرو.»⁽³⁾

3. بحار، ج 1، ص 219.

قرآن می فرماید:

«وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» 155 «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» 156 «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ».⁽¹⁾

بشارت بده به صابران . آنانکه هرگاه مصیبتی می بینند می گویند انا لله وانا اليه راجعون ایشان که خداوند بر آنها صلوات و رحمة می فرستد و اینها هستند هدایت شده گان .

قرآن کریم در بیشتر از 70 آیه از صبر و صابران یاد کرده که از جمله آنها آیه 4 سوره والعصر است که می فرماید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ».

قسم به عصر که انسان در زیانکاری است مگر آنانکه ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده و وصیت به حق و صبر نمایند.

1. سوره بقره، آیه 156.

قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ»⁽¹⁾.

آنهايي که مورد غضب خدا هستند کسانی هستند که ریا می‌کنند.

قاری قرآن وقتی با اخلاص می‌خواند دل‌ها را دچار خشیت می‌کند ولی وقتی برای خودنمایی و شهرت‌طلبی می‌خواند اثری ندارد.

1. سوره ماعون،

ایا درباره زنان در قرآن آیاتی نازل شده است؟

«اسماء بنت عمیس اول همسر جعفر طیار بود. بعد همسر ابابکر سپس همسر علی بن ابی طالب علیه‌السلام شد. این زن یکتا پرست درمکه با مشرکین مبارزه می‌کرد سپس به حبشه هجرت نمود و بعد به مدینه رفته و در جنگها شرکت می‌کرد.

وقتی از حبشه به مدینه آمد (ظاهراً در سال هفتم هجری یعنی بعد از فتح خیبر) اولین مسئله‌ای که در جمع خانمها مطرح کرد، این بود که آیا در قرآن کریم چیزی درباره زنان هست؟ آنهايي که حاضر بودند گفتند که ما نمی‌دانیم، او خود به محضر پیامبر رفت

و مسئله را مطرح کرد و گفت که مادر همه جا شریک و همراه شما هستیم . در میدان مبارزه و جهاد وزندگی شرکت داریم و بچه ها را نیز بزرگ می کنیم . پس چرا در قرآن کریم اشاره ای در مورد ما نیست؟

این آیه در این مورد نازل شده است: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^{۱۰}

همانان مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان مومن و زنان مومن و مردان دعا کننده و زنان دعا کننده و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان صبور و زنان صبور و مردان خاشع و زنان خاشع و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دار و زنان روزه دار و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردان بسیار ذکر گو و زنان بسیار ذکر گو، خداوند برای آنان امرزش و پاداش عظیم آماده نموده است.

یکی از سوره های قرآن کریم به نام منافقین است. منافقین از خطرناک ترین دشمنان اسلام بخصوص ولایت می باشند.

تا زمانی که پیامبر اعظم ص در مکه بودند فقط یک دشمن داشتند: مشرکین بت پرست

ولی از زمانی که پیامبر اعظم ص به مدینه هجرت کرده و حکومت اسلامی رادر مدینه تشکیل دادند، گروهی از به ظاهر مسلمانها با حضرتش دشمنی می کردند که قرآن آنها را بنام منافق به پیامبر معرفی کرد. منافقین همان مشرکین بودند که ظاهر مسلمان داشتند.

تمام تلاش منافقین جلوگیری از گسترش اسلام بود لذا هرگاه فرصتی پیدا می کردند از طرق مختلف به اسلام ضربه می زدند. سردسته اینها عبدالله بن ابی بود. ولی سران اصلی آن، کسانی بودند که در ظاهر با پیامبر و در کنار حضرتش بودند ولی در باطن دشمن حضرت بودند. منافقین این برنامه دشمنی با اسلام را تا رحلت پیامبر ص ادامه دادند.

چند نکته مهم :

1- شهید مطهری می نویسد: اینکه چرا این همه قرآن روی منافقین تکیه کرده است -

مفسرین طرح کرده اند و معمولاً چنین پاسخ داده اند که: با وجودیکه منافق یکی از اقسام کافر است در عین حال چنانکه از قرآن در بعضی موارد استفاده می شود منافق خطرش برای اسلام از کافر بدتر است. زیرا کافریعنی کسیکه قرآن اصطلاحاً او را کافر می خواند - کسی است که خدا و پیغمبر را قبول ندارد ولی صداقت دارد یعنی علناً اظهار می کند و تکلیف مردم با او روشن است. ولی آنکس که بر روی عقیده قلبی خود روپوش نهاده و بزبان جوری سخن می گوید و در دل طوری دیگر است خطرش بسیار زیاد است زیرا مردم مسلمان را گول می زند و هیچگاه مردم از کفار گول نمی خورند.

2- منافقین کسانی هستند که به اسم اصلاحات با قرآن و پیامبر مخالفت می کردند

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾⁽¹⁾

3- منافقین کسانی هستند که در جنگهای صدر اسلام کارشکنی علیه مسلمین می کردند.

4- منافقین کسانی هستند که جلسات توطئه علیه حکومت اسلامی دارند

5- منافقین کسانی هستند که ظاهرشان گاهی خیلی متدین نشان می دهد.

6- منافقین کسانی هستند که از مسجد و امثال آن در جهت مسجد ضرار را ساختند مثلاً آنها برای توطئه علیه پیامبر اعظم ص مسجدی پهلوی مسجد قبا ساختند. پس از آنکه از کار آن فارغ شدند نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده ، در حالی که آن جناب آماده سفر به تبوک می شد، بعرضش رساندند: یا رسول الله! ما برای افراد مریض و کسانی که کارشان زیاد است و نمی توانند راه دوری طی نموده تا مسجد شما بیایند، و نیز برای شبهای بارانی و شبهای زمستان مسجدی ساخته ایم و میل داریم بدانجا تشریف آورده ، در آن نماز بگزاری ، و برای ما به برکت دعا فرمائی . حضرت فرمود: من الان سر راه سفرم ، اگر ان شاء الله برگشتم به محله شما می آیم و در مسجد شما نماز می گزارم ؛ ولی وقتی از سفر تبوک برگشت این آیات نازل شد، و وضع آن مسجد را روشن نمود.

7- منافقین کسانی هستند که از آیات قرآن برای گول زدن مردم استفاده می کنند. به

ان نمونه تا مدت‌ها در زیر آرم سازمان مجاهدین خلق آیه: فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیم، بود.

8- منافقین برای رسیدن به اهداف خود از سرنیزه کردن قرآن خود داری نمی کنند

9- منافقان سوگندهای شدید یاد می کنند که از پیامبر اطاعت می کنند ولی دروغ می گویند برخلاف منافقان، موء منان در برابر حکمت و حکم خدار و رسول صلی الله علیه و آله، تسلیم بوده می گویند: سمعنا و اطعنا

10- لاتها بهتر از منافقین هستند: شهید حجه الاسلام و المسلمین عبدالله میثمی تعریف می کرد: در زمان طاغوت دو عاشورا را در زندان بودم. سال اول را با منافقین و در زندان سیاسی بودم. شب عاشورا از ترس سرم را به زیر پتو بردم و تا صبح در عزای آقا اباعبدالله الحسین علیه السلام اشک ریختم.

سال بعد من را به زندان عادی و به جمع لاتها منتقل نمودند. شب عاشورا همان لاتها آنچنان نوحه خوانی کردند و سینه زدند که جگر مرا حال آوردند. من لاتها را از منافقین بهتر می دانم.

11- اعتراض منافقین به نصب علی ع در روز غدیر خم به عنوان جانشین پیامبر اسلام ص در تاریخ ثبت شده است.⁽¹⁾

12- منافقین کسانی هستند که به مومنین می گویند ما باشما هستیم ولی در جلسات محرمانه به دوستان خود می گویند ما با شما هستیم ما مسلمانها را گول می زنیم.

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ﴿١٤﴾⁽²⁾

13- منافقین کسانی هستند که می خواستند پیامبر را ترور کنند.

14- منافقین کسانی هستند که می خواستند پیامبر را از مدینه اخراج کنند!

«يَقُولُونَ لئن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنَهَا الْأَعْزَلَ وَلَلَّهِ الْبُزْءُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» ﴿٨﴾⁽³⁾

15- خداهیچگاه منافقین را نمی آمرزد «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ

1. داستانهای از اصول کافی

2. بقره

3. منافقون

اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٦﴾⁽¹⁾

16- علامه طباطبائی می نویسد: چطور است که منافقین تا پیغمبر اکرم زنده هستند فتنه ها

می کنند ولی پیغمبر که از دنیا می رود و دوره خلافت خلفا می رسد دیگر نامی از این

منافقین نیست؟ منافقین کوچکترین تحریک و دسیسه کاری در دوره خلفان کردند. اینها

چطور یکمرتبه موءمن و عابد شدند؟! تا پیغمبر زنده بود، اینها موءمن واقعی نشدند ولی آیا پیغمبر که از دنیا رفت، یکمرتبه اینها موءمن واقعی شدند و یا اینها در دوره خلافت، منافع خودشان را تامین یافته دیدند و از این جهت صدایشان خوابید؟ این نشانه این است که در اثر وفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و برقراری خلافت، جریان شکلی پیدا کرد که منافقین منافع خودشان را تامین یافته دیدند

17- هر مقدار که نفاق شدیدتر و پریپیچ و خم تر و دقیق تر باشد احتیاط از آن مشکلتر و دشوارتر است. مرحوم آقا میرزا محمد صادق اصفهانی از علمای خیلی بزرگ و هم دوره مرحوم آقا سید ابو الحسن بودند. ایشان بعد به اصفهان آمد که اگر در نجف مانده بود خودش مرجع تقلید بود. ایشان گفته بود از اصفهان برای سفر حج عازم مکه شدم) در آن وقت بیشتر با کشتی می رفتند و از کشورهای عبور می کردند(. در یکی از سفارتخانه های خارجی دنبال گذرنامه رفته بودم. یک وقت دیدم مردی با زبان فارسی فصیح صدا زد: آقا میرزا صادق! آقا میرزا صادق! بعد مثل یک آدم کاملاً آشنا شروع به صحبت کرد. هرچه فکر کردم دیدم او را نمی شناسم. آخر گفتم: من را نمی شناسی؟ گفتم: نه. گفتم: من در زمان مشروطیت در نجف در فلان حجره بودم، و خودش را معرفی کرد. یادم آمد که او طلبه ای بود از شاگردهای مرحوم آخوند که آنچنان زاهد و مقدس و متدین بود و آنچنان در سهایش را هم خوب حاضر می کرد که مورد اعتماد همه قرار گرفته بود. معلوم شد کسی بوده که سی سال ماموریت داشته است.⁽²⁾

18- منافقین امر به منکر می کنند مصداقش در زمان ما مخالفت با ولا؟ ت فقیه-مخالفت با وحدت-مخالفت با شورای نگهبان-مخالفت با قانون است.

19- منافقین همیشه در تاریخ اسلام حضور دارند. ولی فقط با ولایت و با اهل بیت ع و

1. منافقون

2. آشنایی با قرآن-استاد مطهری

نایبان امام زمان عج مخالفت می کنند.

20- یکی از مهمترین راه شناخت نفاق جدید، بررسی مواضع قدیم و جدید آنهاست که معمولاً مواضع اینها در دوره های مختلف فرق می کند و هر دفعه یک موضعی می گیرند در یک دوره ای فقط از ولایت فقیه، حرف میزنند و دفاع میکنند و دهها جلد کتاب در اثبات آن می نویسند ولی در زمانی دیگر به ولایت فقیه می تازند و آنرا دیکتاتوری معرفی میکنند.

21- در سوره بقره آیات 8 تا 20 بقره خصوصیات منافقین را اینجور بیان می کند:

اولین خصلت اینکه منافقین مردمان متظاهری هستند که تظاهر اصولاً از مشخصات منافق است بطوریکه منافق از موعظ من بیشتر اظهار ایمان می کند.

خصلت دوم: اینکه آنان نیرنگ بازند، حقه باز و فریبکارند که باز این خصلت از صفات ویژه آنان است.

سوم اینکه اینان مبتلا به یک بیماری روانی و روحی هستند که می خواهند با اینگونه اعمال آن عقده های درونی را شفا بدهند، و حال اینکه بر عکس بر عقده های دلشان و بیماری روحشان دائماً افزوده می گردد.

چهارم اینکه: امر چنان بر آنان مشتبّه شده است که حتی خودشان هم خیال می کنند که کارهایشان در راه اصلاح جامعه است. یعنی بر تباه کاریها و اخلاص لگري خودشان لباس اصلاح پوشانده اند و خودشان هم باور نموده اند.

پنجم آنکه: اینان خود مردم سفیه و احمق هستند و دیگران را سفیه می پندارند.

ششم اینکه: دو چهره هستند و یکی از عملیات دوچهرگیشان اینطور است که در این مجلس بگونه ای سخن می گویند و وقتی به مجلس دیگر می روند درست ضد آن را بر زبان می رانند.⁽¹⁾

22- نکته دیگر این است که نفاق از مختصات بشر است. معمولاً در حیوانات اثری از نفاق

یعنی دوچهرگی و دورویی دیده نمی شود. شاید خیلی به ندرت در بعضی از حیوانات زیرک چنین چیزی دیده شود، یعنی حیوان به حالتی بر ضد حالتی که داراست تظاهر کند. حیوان اگر خشم بگیرد آثار خشم در صدایش و حنجره اش ظاهر می شود؛ اگر

1. آشنایی با قرآن - استاد مطهری

خوشحال شود فوراً جست و خیز می کند؛ اگر دردش بیاید ناله می کند. هر صدایی از حیوان یک نشانه واقعی است از حالتی که دارد و میان حالتش و آن صدای اعلامتی که از خود بروز می دهد اختلاف نیست؛ این انسان است که این قدرت را دارد که ممکن است با یک نفر در نهایت درجه دشمن باشد و در دلش حقد و کینه او را داشته باشد ولی وقتی با او

بنشینند تظاهر به دوستی کند و با چهره باز برخورد کند و اظهار خوشوقتی و خوشحالی کند. اکثر تعارفاتی که در میان مردم معمول است نوعی نفاق است برای اینکه دروغ است. کسی به خانه می آید و صاحبخانه می گوید قدم روی چشم ما گذاشتید، چنین و چنان کردید، اما همینکه مهمان می رود، خلافش رامی گوید و باطنش را ظاهر می کند. بشر به دلیل اینکه هوشش بیشتر و عقلش زیادتر است می تواند منافق گری و دورویی کند (5).

هرچه انسانها بدوی تر هستند صریح تر هستند یعنی فاصله میان درون و بیرونشان کمتر است. هرچه انسانها به طرف تمدن آمدند و هرچه که فرهنگ و تمدنشان پیش رفت بر نفاقشان افزوده شد، یعنی فاصله میان این دو چهره شان زیاد شد و این امر مثالهای بسیاری دارد به طوری که دنیای ما را باید گفت «دنیای نفاق». آن انسانهای اولی در صورتی که منافق گری می کردند، اگر فاصله دو چهره شان چهار سانتیمتر بود حالا انسانها در حدی منافق شده اند که فاصله میان دو چهره شان چند فرسخ است و کشف این نفاقها فوق العاده مشکل است. این نیرنگهایی که استعمارچی های دنیا می زنند و کارهایی که می کنند اگر لای اولش را باز کنی چیزی نمی فهمی؛ لای دوم را که باز کنی باز هم نمی فهمی، لای سوم را که باز کنی چیزی نمی فهمی، آن لای صدمش را اگر کسی باز کند، آن نیت حقیقی را در آن لای صدم می فهمد.

حذر از اینها خیلی مشکل است. هر مقدار که نفاق شدیدتر و پریچ و خم تر و دقیق تر باشد احتیاط از آن مشکلتر و دشوارتر است. «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرهُمْ». دستور، دستور احتیاط است. احتیاط کردن از اینها صددرجه دشوارتر و مشکلتر است.⁽¹⁾

1. آشنایی با قرآن-استاد مطهری

مگر در قرآن نخواندی.....

در زمان امام صادق علیه السلام مردی به مدینه آمد که بعنوان عابد و انسان خیری معروف شد. روزی امام او را در بازار دیدند و تصمیم گرفتند او را زیر نظر بگیرند. امام متوجه شدند که او انار و نان دزدید سپس آنها را صدقه داد. امام او را ملاقات کرده و به این کارش اعتراض نمودند. او در جواب گفت که من آدم زرنگی هستم! چون خدا در قرآن کریم گفته اگر یک کار خوب انجام دهی ده برابر پاداش می گیری ولی اگر یک کار بد انجام دهی فقط یک مجازات دارد. من دوتا کار خوب کردم که می شود بیست ثواب! و دوتا کار بد کردم که می شود دوتا مجازات! که این دوتا کار بد را از بیست تا پاداش کم کنیم، هیجده پاداش می ماند!

امام فرمود پس در قرآن کریم نخوانده ای که خدا فقط از افراد با تقوا قبول می کند و از افراد دزد و رباخوار و حرامخوار و... قبول نمی کند؟ آن شخص مات و متحیر ماند!^{۱۱}

1. میزان الحکمه - وسائل الشیعه 466/9

اکثرا گمراهند....

. قرآن کریم اکثر مردم جهان را گمراه می‌داند همانطور که الان اکثر مردم دنیا گمراه هستند . چقدر قرآن کریم می‌فرماید: أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ. مائده 103. أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ. انعام 37. أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ يونس 60. أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ. بقره 100 أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ. انعام 111 أَكْثَرُهُمْ لَفَاسِقِينَ. اعراف 102 أَكْثَرُهُمْ كَافِرُونَ شعرا 223. اکثرهم مشرکین . *روم 42* و ...

آیات فوق، ضرب المثل *خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو* را رد می‌کند . مؤمن در مسیری که خدا برای او در نظر گرفته حرکت می‌کند خواه مردم همراه او باشند یا نباشند . ملاک حقانیت، کثرت و زیاد بودن همراهان نیست

عامل بدبختی ها و مصیبت های انسان اعمال خود انسان هست...

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»⁽¹⁾.

یکی از سؤالات بشر همواره این بوده است که مشکلات و گرفتاری‌هایی که برایمان پیش می‌آید آیا خداوند سبحان خواسته و تقدیر الهی است و یا عامل دیگری دارد .

بابررسی آیات و روایات متوجه می‌شویم که چون خدا خیر مطلق است و هیچ گاه شری از او صادر نمی‌شود و اراده نکرده که کسی دچار مشکل باشد و یا گرفتار شود، لذا عامل گرفتاری‌ها طبق آیه مذکور خود انسان‌ها می‌باشند .

علی علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرمود: از گناهان اجتناب کنید که تمام بلاها و کمبود روزی به واسطه گناه است. حتی خراش برداشتن بدن، زمین خوردن و مصیبت‌های دیگر نیز عاملش خود انسان است.⁽²⁾

1. سوره شوری، آیه 30.

2. میزان الحکمه - مستدرک الوسائل 325/11

این ایه پیامبر را پیر کرد....

پیامبر خدا فرمود این ایه سوره هود مرا پیر کرد:

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^{۱۲}

ای پیامبر همانطور که مامور شدی خودت و یارانت استقامت کن و طغیان نکنید که خدا از کردارتان مطلع است.

نباید خبر ادم فاسق رو بدون تحقیق قبول کرد...

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ⁽¹⁾

¹²هود 112

ای مؤمنین! اگر آدم فاسقی مطلبی را به شما گفت، شما اول تحقیق و بررسی کنید مبادا خبر دروغی به شما بگوید و باعث فتنه ای شود.

یکی از بزرگترین نیازهای بشر، تبادل اخبار با هم است. حوادثی که به وقوع می پیوندد اگر بیان نشود، تاریخ گذشته انسانها اگر گفته نشود، علوم و فنون اگر تعلیم نگردد، نیازهای بشر اگر به زبان آورده نشود، زندگی بشر را فلج می کند. اما نمی توان هر حرف و حدیث و خبری را بدون تحقیق و بررسی قبول کرد.

چه بسا یک خبر دروغ باعث ضررها و زیانهای فراوانی به بشریت گردد. و افراد زیادی بوده اند که بیگناه بوده اند ولی بخاطر یک خبر دروغ، کشته شدند یا زندانی گردیدند یا خانواده آنها از بین رفته اند. و جنگهایی بخاطر یک خبر دروغ برپاشده و دانشمندان و بزرگانی بخاطر خبر افراد فاسق بدون این که بررسی شود کشته شدند و از بین رفتند همانند امام کاظم علیه السلام که بخاطر خبر یک نفر دروغگو، بشهادت رسید.

یا امامان دیگر و عالمان دیگری چون شهید اول و دوم و شخصیت هایی چون شیخ فضل الله نوری یا امیر کبیر بخاطر خبر فاسق کشته شدند.

شاه عباس دستور داد فرزندانش را بخاطر اخبار دروغی مبنی بر توطئه آنها، کور کردند یا کشتند. و ...

لذا در اسلام خبر عادل و مؤمن، دارای اعتبار است ولی خبر آدم بی دین یا دروغگو یا خلاف کار نیاز به بررسی و تحقیق دارد.

1. *حجرات 6

قرآن کریم به انحاء مختلف سندیت عقل را امضا کرده است. تنها در یک مورد می توان از حدود شصت، هفتاد آیه قرآن کریم نام برد که در آنها به این مسئله اشاره شده است که؛ این موضوع را طرح کرده ایم تا درباره آن تعقل کنید. قرآن کریم می فرماید:

اِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللّٰهِ الصَّمِّ الْبَكْمُ الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُوْنَ⁽²⁾

بدترین جنبنده ها (کسانی هستند که کر و گنگ و بی عقلند.

البته واضح است که منظور قرآن کریم از کر و لال، کر و لال عضوی نیست، بلکه منظور آن دسته از مردم است که حقیقت را نمی خواهند بشنوند و یا می شنوند و به زبان اعتراف نمی کنند. گویی که از شنیدن حقایق عاجز است و صرفاً برای شنیدن مهملات و خزعبلات آمادگی دارد از نظر قرآن کریم کر است. و زبان که تنها برای چرندگویی بکار می افتد به تعبیر قرآن کریم لال است.

لا یعقلون نیز کسانی هستند که از اندیشه خویش سود نمی گیرند. قرآن کریم اینگونه افراد را که نام انسان زینده آنها نیست، در سلک حیوانات و بنام چهارپایان مخاطب خویش قرار می دهد.

اهل جهنم می گویند کاش گوش می کردیم! کاش فکر می کردیم!

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ⁽¹⁾

اهل جهنم می گویند اگر می شنیدیم یا فکر می کردیم به جهنم نمی افتادیم.

1. ملک 10

منشاهای خطاهای بشر از نظر قرآن کریم

إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ.⁽¹⁾

گمان نمی تواند انسان را به حق برساند و خدا از کارهایشان باخبر است.

از جمله منشاهایی که قرآن کریم برای خطا ذکر می کند، یکی این است که انسان گمان را بجای یقین بگیرد. اگر بشر خود را مقید کند که در مسایل تابع یقین باشد و گمان را به عوض یقین نپذیرد، بخطا نخواهد افتاد. قرآن کریم روی این مسئله بسیار تاکید نموده است و حتی در یکجا تصریح دارد که بزرگترین لغزشگاه فکری بشر همین پیروی از گمان است و یا در جای دیگر خطاب به پیامبر می فرماید:

وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ.⁽²⁾

اکثر مردم زمین چنین اند که از گمان پیروی می کنند. تو هم اگر بخواهی از آنها پیروی کنی، تورا نیز گمراه می کنند چون مردم تابع گمانند نه یقین و بهمین دلیل خطا می کنند.

و یا در آیه دیگری می فرماید: وَ لَا تَقْفَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ.⁽³⁾

آنچه را که بدان علم نداری پیروی مکن.

این تذکری است که در طول تاریخ اندیشه بشر اول بار قرآن کریم به بشر داده است و او را از اینگونه خطا نهی کرده است .

دومین منشا خطا مسئله تقلید است . بسیاری از مردم اینگونه‌اند که چیزهای مورد باور اجتماع، باورشان می‌شود . یعنی چیزی که در اجتماع مورد قبول قرار گرفته است و یا نسلهای گذشته آنرا پذیرفته‌اند صرفاً بدلیل اینکه نسلهای گذشته آن را قبول کرده‌اند می‌پذیرند .

قرآن کریم می‌فرماید هر مسئله‌ای را با معیار عقل بسنجید نه اینکه هر چه نیاکان شما انجام دادند آنرا سند بدانید، یا آنکه آنرا بکلی طرد کنید . بسا مسایل هست که در گذشته

1 . یونس 36

2 . انعام آیه 116

3 . (سوره اسری آیه 36

مطرح شده و در همانموقع هم غلط بوده اما مردم آن را پذیرفته‌اند و بسا مسایل درست که در زمانهای دور عرضه شده اما مردم بدلیل نادانی از قبول آن خوداری کرده‌اند . در پذیرش این مسایل باید از عقل و اندیشه مدد گرفت نه اینکه کورکورانه بتقلید پرداخت . قرآن کریم اغلب پیروی از آباء و اجداد را در مقابل عقل و فکر قرار می‌دهد:

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (170).⁽¹⁾

وقتی به ایشان گفته می‌شود از دستورات الهی پیروی کنید . می‌گویند آیا از روشهای پدرانمان دست برداریم؟ آیا اگر پدران و مادران شما شعور نداشتند، شما باید جریمه بی‌شعوری آنها را بدهید .

قرآن کریم در زمینه تبعیت از هوای نفس اشارات زیادی دارد که بذکر یک مورد اکتفا می‌کنیم قرآن کریم می‌فرماید: ا

إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ⁽²⁾

چیزی غیر از گمان باطل و هوای نفس خود را پیروی نمیکنند .

طبق دستورات قرآن کریم که در چه موردی تفکر کنیم؟

- 1- تفکر در خود 2- تفکر در خلقت ازواج 3- تفکر در میوه ها 4- تفکر در احکام واجب و حرام 5- تفکر در خلقت آسمانها وزمین 6- تفکر در قصص قرآن کریم 7- تفکر در پیامبران 8- تفکر در بهاروزمستان 9- تفکر در شب وروز 10- تفکر در تسخیر آسمان وزمین 11- تفکر در قرآن کریم 12- تفکر در عجایبی مانند عسل برگرفته از زنبور و ...

ابلیس از دیدگاه آیات قرآن

نام ابلیس 9 بار و شیطان با مشتقاتش 88 بار در قرآن کریم آمده است . که تعدادی از آیات بشرح زیر می باشند:

وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ «168» إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ «169»

«از قدمهای شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست . او امر به کارهای بد و فحشاء می کند و اینکه بر خدا دروغ ببندید»⁽¹⁾

فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفاً «76»

«دوستان شیطان را بکشید که حقیقتاً مکر شیطان ضعیف است.»⁽²⁾

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَا تَبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلاً «83»

«اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود غیر از عده کمی همگی از شیطان تبعیت می کردید.»⁽³⁾

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ «91»

«حقیقتاً شیطان می خواهد بوسیله شراب و قمار بین شما دشمنی ایجاد کرده و از یاد خدا و نماز دورتان کند پس آیا دست از این کارها بر نمی دارید؟»⁽⁴⁾

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ¹⁶ ثُمَّ لَا آتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ¹⁷ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ¹⁸

«شیطان گفت خدایا! حال که مرا اخراج کردی در راه مستقیم به کمین می ایستم و جلو و عقب و راست و چپ سراغ انسانها می روم و کاری می کنم که اکثرشان شکرگزار نباشند.

1. بقره/168.

2. نساء/76.

3. نساء/76.

4. مائده/91.

خدا فرمود از بهشت با ذلت نکوهیده و مطرود بیرون برو که جهنم را از کسانی که از تو پیروی کنند، پر می کنم!⁽¹⁾

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ²⁷

«ای بشر! مبادا شیطان تورا گول بزند همان طور که جدتان را از بهشت بیرون نمود و لباسشان را بیرون کرد به طوری که عوراتشان پیدا شد. شیطان و گروهش شما را از جایی که شما آنها را نمی بینید، می بیند.»⁽²⁾

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿200﴾

«هرگاه وسوسه ای از شیطان به شما رسید به خدا پناه ببرید که او شنوا و داناست.

متقین هرگاه به طایفه ای از شیاطین بر می خورند به یاد خدا افتاده و هوشیار می شوند.»⁽³⁾

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿99﴾ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿100﴾

«شیطان تسلطی بر مؤمنین و کسانی که بر خدا توکل می نمایند ندارد. بلکه بر کسانی که دوستدار شیطان هستند و برای خدا شریک قائل می شوند، مسلط است»⁽⁴⁾

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿44﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿45﴾

«ابراهیم علیه السلام گفت ای پدر! شیطان را نپرست که او معصیت خداوند رحمان را می کند. و می ترسم عذاب الهی بر تو فرود بیاید و شریک شیطان شوی!»⁽⁵⁾

2. اعراف/27.

3. اعراف، آیه 200.

4. نحل، آیه 99.

5. مریم، آیه 44.

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿10﴾

«نجوی از شیطان است تا مؤمنین را ناراحت کند ولی تا خدا اجازه ندهد نمی تواند ضرری برساند.»⁽¹⁾

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿201﴾

«هرگاه متقین با دسته های شیاطین روبرو شوند، بیاد خدا افتاده و هوشیار می شوند.»⁽²⁾

علت دشمنی ابلیس با آدمیان !

ابلیس موجودی از جن بود که هزاران سال قبل از خلقت آدم علیه السلام در آسمانها به عنوان ملکی از ملائکه مشغول فرمانبرداری از حضرت حق بود. نام او «عزایل» و «حارث» بوده است. ملائکه خیال می کردند که او هم از جنس آنان است ولی خداوند علیم با علم خود می دانست که ابلیس از ملائکه نیست. ابلیس زیباترین ملک بود و خداوند سبحان را به گونه ای زیبا عبادت می کرد که فقط دو رکعت نماز او برای خداوند، چهار هزار سال طول کشید! تا این که خداوند سبحان آدم علیه السلام را آفرید و برای

اهدافی از جمله ظاهر شدن چهره مخفی ابلیس و صفات زشت او، دستور داد که همه ملائکه برای آدم علیه السلام و به احترام او سجده کنند. که این سجده در حقیقت برای خداوند سبحان و به احترام آدم علیه السلام بود. همه فرشتگان از این دستور الهی اطاعت کردند به غیر از ابلیس! خداوند سبحان از او پرسید که چه انگیزه‌ای باعث شد که از این دستور سرپیچی نمایی؟ ابلیس جواب داد برای این سجده نکردم که آدم علیه السلام از جنس خاک است و من از جنس آتش! و آتش از خاک برتر است. و من بر موجودی که از من پست تر است سجده نمی‌کنم! خدایا! اگر مرا از این کار عفو نمایی، برای تو عبادتی بکنم که هیچ موجودی همچو عبادتی نکرده باشد! خداوند سبحان در جواب فرمود که من دوست دارم آن طور که خود می‌خواهم عبادت شوم! و تو از بهشت من و از صف ملائکه اخراج هستی! ابلیس وقتی این چنین دید، به خداوند سبحان عرض کرد که من سالهای زیادی تو را عبادت کردم و تو عادل هستی و به کسی ظلم

1. مجادله 10.

2. اعراف، آیه 201.

نمی‌کنی. پاداش عبادت‌های مرا بده! خداوند سبحان فرمود: آری به تو پاداش خواهم داد. هر چه از امور دنیا می‌خواهی بگو تا به تو بدهم. ابلیس گفت یکی اینکه به من تا قیامت مهلت بدهی و کاری به من نداشته باشی! دوم اینکه به من قدرتی بدهی تا بتوانم در انسانها همانند خون در رگهایشان، نفوذ کنم! سوم اینکه آنها نتوانند مرا و یاران مرا ببینند ولی من

و یارانم آنها را ببینیم! چهارم آنکه می‌خواهم هر کودکی که از انسان متولد می‌شود، دو تا کودک هم از من متولد شود! پنجم به هر صورتی که بخواهیم در بیایم! خداوند فرمود: این‌ها را دادم. گفت خدایا پاداش زیادتری بده! خدا فرمود: شما را در سینه‌ها و دل‌های آنان قرار دادم! گفت: خدایا کافی است.

سپس ابلیس گفت: به عزت قسم که همه را به جز مخلصین گمراه خواهم کرد. و از جلو و از عقب و از راست و چپ نزدشان رفته و کاری کنم که اکثرشان را شاکر نبینی!

وقتی حضرت آدم علیه‌السلام دید که خداوند سبحان این قدرت را به ابلیس داده است گفت: خدایا! ابلیس را بر فرزندانم مسلط کردی و او را همانند خون در رگها اجازه نفوذی دادی! و آنچه خواست به او دادی پس تکلیف من و فرزندانم چه می‌شود؟ خداوند سبحان فرمود: اگر یک گناه کنی، یک عذاب دارد و اگر یک کار خوب کنی، ده پاداش دارد. حضرت آدم علیه‌السلام گفت: زیادتر بده! خداوند سبحان فرمود: تا زمانی که روح به گلو نرسد، فرصت توبه دارید. حضرت آدم علیه‌السلام گفت: زیادتر بده! خداوند سبحان فرمود: شما را می‌بخشم و اهمیتی نمی‌دهم (به بزرگی و زیادی گناهان) حضرت آدم علیه‌السلام گفت: کافی است.

لذا ابلیس از آن زمان تاکنون بدنبال گمراهی انسان‌ها و دوری انسان از خداوند سبحان بوده و البته موفق شده‌است که عده زیادی از بندگان خدا را با کمک هواها و نفسانیات و میل‌هایشان به شهوات دنیا، منحرف کرده و جهنمی نمایند.

هر عمل زنا و لواطی که در دنیا انجام شده و یا انجام می‌شود، و هر کودک حرام‌زاده‌ای که متولد می‌گردد، جای پای ابلیس در آنجا وجود دارد! هر جنگ و خونریزی و قتل

انسانها مخصوصاً قتل پیامبران و امامان و انسانهای بزرگ و اولیاء خدا و دانشمندان و عالمان دلسوز و سیاستمداران پاک سرشت و ... که انجام می‌شود با وسوسه‌های ابلیس است.

هر اختلاف و دشمنی بین انسانها و حتی بین افراد یک خانواده و حتی بین پدران و مادران با فرزندان و وجود داشته و دارد و هر کانون خانواده‌ای که متلاشی می‌گردد از کارها و تلاشهای ابلیس است!

هر بتی که پرستیده می‌شود و هر دین جدیدی بوجود می‌آید و هر مکتب منحرف کننده جدیدی که ظاهر می‌شود از نفس پلید ابلیس است!

خودکشی‌ها و افسردگی‌ها و مرض‌های مهلکی چون ایدز و گرفتاریهای بشر امروزی نیز از کید و مکرهای بلیس است!

عشق‌های مجازی و روابط نامشروع و قانونی شدن هم جنس‌بازی در بسیاری از کشورها و تشکیل مؤسسات فحشاء و آلوده کردن مردم دنیا به انواع مفسد همه از توطئه‌های ابلیس است که اخیراً فزونی گرفته است!

تشکیل باندهای مواد مخدر و صدها نوع مواد مخدر شیطانی، تشکیل باندهای مخوف جنایت و شرارت و حتی باندهایی که علناً خود را شیطان پرست می‌خوانند و باندهای به دام انداختن دختران و زنان برای استفاده از فحشاء و تشکیل محافل رقص و شرابخواری و روابط جنسی نامشروع علنی و ... همه از اقدامات و فعالیت‌های ابلیس و یارانش می‌باشد.

ابلیس بنیانگذار همه بدعتها و مذہبهای ساختگی و آئینهای بی ریشه الهی است!

ابلیس در قتل پیامبرانی همچون حضرت زکریا و یحیی و در آتش انداختن حضرت ابراهیم علیه السلام و توطئه فرعون علیه موسی علیه السلام و تحریک مشرکین مکه برای کشتن پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین علیه السلام و ... نقش داشته است . و اوست به پاکنده جنگ‌هایی همچون جمل و صفین و نهروان و ...

ابلیس از راه‌هایی چون نگاه و سخن با نامحرم، شراب و مستی، دروغ، خیانت و مال‌اندوزی و حرص و ... انسان‌ها را منحرف می‌کند .

ابلیس در موقع تنها بودن انسان، موقع عریان شدنش، وقت خلوت با نامحرم و هنگام همراهی با فاسقان و در هنگام طلوع و غروب خورشید موفق‌تر است .

بیشتر یاران ابلیس، زنان، عابدان جاهل، حاکمان ستمگر و جوانان بی تقوا هستند !
و خلاصه هر کجا انحراف و گناه و معصیتی باشد رد پای ابلیس و اعوان و انصارش به چشم باطنی می‌خورد .

اما خداوند متعال، انسان را در برابر این دشمن قسم خورده و غدار به وسایل مهمی تجهیز نموده است که هر کسی از این وسایل استفاده کند، سلامتیش از دست ابلیس تضمین شده است و ابلیس و یارانش بر آنان تسلطی نخواهند داشت .

این وسایل به شرح زیر می‌باشند: 1- عقل به عنوان پیامبر باطنی، 2- فطرت سالم و توحیدی، 3- صد و بیست و چهار هزار پیامبر و دوازده امام علیه السلام 4- دهها کتاب آسمانی از جمله قرآن کریم 5- هزاران عالم و دانشمند موحد و مخلص و دلسوز 6-

میلیونها جلد کتاب و هزاران سخنرانی و هزاران مجلس علم و دانش برای آگاهی انسانها
7- توبه و بازگشت به خداوند سبحان در هر ساعتی که بخواهد .

گویند: وقتی ابلیس به زمین آمد، گفت: خدایا! به عزت و جلالت سوگند! از آدمیان جدا
نمی شوم تا زمانی که بمیرد!

خداوند سبحان فرمود: به عزت و جلالم سوگند! مانع توبه بنده ام نمی شوم به طوری که
توبه را غرغره کند! - یعنی هر زمان بخواهد توبه کند و محدودیتی ندارد- 8- دوستی اهل
بیت علیه السلام که نجات دهنده قطعی است 9- هزاران مسجد و حسینیه و محل عبادت
10- نماز و روزه و صدقه و تلاوت قرآن کریم و ذکر و ازدواج در جوانی و مصاحبت با
علماء و گریه از خوف خداوند سبحان و توکل بر خدا و صبر در مشکلات و ... اعمالی
هستند که در دوری از ابلیس مؤثر است .

هرگاه ابلیس انسان صالحی را می بیند که نیرنگ های او را خنثی می کند، ابلیس به دست و
پا می افتد و متزلزل می شود و ناراحت . همچنان که وقتی جوانی ازدواج می کند، ابلیس به
ناله می افتد و می گوید دینش را از من حفظ کرد! و یا امام و پیغمبری که متولد می شد و
یا عالمی که به هدایت مردم مشغول می شود برای ابلیس همانند یک کابوس وحشتناکی
است .

گویند که ابلیس چهار بار ناله کرد و دو بار اظهار خوشحالی نمود: اما چهار بار ناله اش در
زمانی بود که از صف ملائکه رانده شد . زمانی که به زمین فرود آمد و زمانی که
پیامبر اسلام مبعوث شد و زمانی که قرآن (سوره فاتحه) بر پیامبر اسلام نازل شد .

رهبر انقلاب روزانه چقدر قرآن می خوانند؟

محافظ امام خامنه ای نقل می کند:

درباره ی قرآن خواندن ایشان به ما توصیه می کردند و می گفتند

بچه ها قرآن را زیاد بخوانید. قرآن نور است. قرآن را خیلی مطالعه کنید. من در جوانی هر سه روز یک دور قرآن می خواندم. یعنی روزی ده جزء. الآن دیگر حوصله اش نیست، پیر شده ام، از نظر سن و سال، وضعیت، نه روز، ده روز. شغل، گرفتاری های کاری، این همه مسائل واقعاً نمی توانم قرآن بخوانم. خیلی دور شده ام. طول می کشد من یک دور قرآن را بخوانم

شیخ جعفر مجتهدی

مرحوم مجتهدی سوره حمد (حمد) را بهترین ختم از ختومات مهمی می دانست که در میان اهل ان رایج و جاری است. طبق نقل که در دست است، ایشان با این ختم، حتی به زنده کردن مرده نیز قادر بوده است. ایشان میفرمود: زمانی که در مسجد سهله معتکف بودم، به ختم سوره ی حمد مشغول شدم و موکلان (الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ) در اختیارم قرار گرفتند که مهم ترین موکلان شناخته می شوند. پس از آن بر سر قبری که سوره حمد قرائت می نمودم، به محض این که (الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ) میرسیدم نه تنها آن دو ملک موکل حاضر می شدند، بلکه صاحب قبر نیز بر می خاست و با روح خود تحت فرمان من قرار می گرفت

یاس عرفان، ص 162

آیه_الکرسی # ➡

عبداللہ ابن جعفر گفت؟

من بیماری سختی گرفتم که تمام اطباء از معالجه آن عاجز شدند. یک شب خیلی ناراحت و رنجور  بودم که خدایا چه کنم؟! همینطور در فکر بودم که یک وقت به ذهنم خطور کرد که به یک آیه از #آیات_قرآن استشفاء کنم

آدم لای قرآن را باز کردم آیه آیه الکرسی آمد، آن را خواندم و بخودم دمیدم ✓

خوابم گرفت، وقتی خوابیدم، در خواب دیدم دو مرد مقابل من ایستاده اند و به همدیگر می گویند:  این مرد آیه ای خواند که در آن آیه سیصد و شصت و پنج رحمت است و آن مرد تازه به یک رحمت رسیده.

(از هیبت آن، از خواب پریدم، وقتی بخود آدم متوجه شدم که شفا یافته ام، 1) 

ختوم و اذکار شفا و درمان ص 138

داستان هایی از اذکار و ختوم و ادعیه مجرب

جهت_فقر

مردی خدمت با کرامت حضرت رسول خدا (ص) مشرف شد و از فقر شکایت کرد؟

آن حضرت فرمودند: وقتی که داخل خانه ات شدی سلام کن، کسی در خانه بود، جواب سلامت را می دهد و اگر کسی خانه نبود در آن سلام کن و یکبار سوره قل هو الله احد را بخوان

آن مرد رفت و هر چه را که حضرت فرموده بود، عمل کرد. خداوند متعال رزقش را بر او سرازیر کرد که حتی همسایه ها هم از آن بهرمند شده بودند

انس می گوید: یک روز با حضرت رسول (ص) در تبوک بودیم، آن روز آفتاب با نور و شعاعی که تا بحال مثل آن را ندیده بودیم در آمد. گفتم: یا رسول الله، این چه نوری است که بر خورشید غلبه کرده؟! آن حضرت متفکر شد؟! حضرت جبرئیل (ع) تشریف آوردند و فرمودند: یا رسول الله، معاویه لیثی در مدینه فوت کرده و حضرت حق هفتاد هزار فرشته را برای نماز بر او فرستاده

وجود مقدس پیغمبر (ص) از حضرت جبرئیل (ع) پرسیدند: این مرتبه و مقام و درجه را بواسطه چه عملی دریافت کرده؟

حضرت جبرئیل (ع) فرمود: بخاطر خواندن سوره توحید. زیرا او همیشه مداومت بر آن سوره داشت ● حتی در نشستن و ایستادن و رفت و آمد

حضرت رسول (ص) فرمود: ای جبرئیل من هم آرزو دارم بر او نماز بخوانم. پس حضرت با طی  الارض بمدینه آمدند و با ملائکه بر جنازه او نماز خواندند

داستان هایی از اذکار و ختوم و ادعیه مجرب

۱۰۰ امام خامنه ای : حاضرم هرچه دارم، بدهم و حفظ قرآن را بگیرم

برادران! شماها چرا قرآن را حفظ نمیکنید؟ شماها جوانید ❁

والله مکرر اتفاق افتاده که با خودم فکر کرده‌ام و گفته‌ام که اگر ممکن باشد، هرچه دارم، بدهم و ❁ حفظ قرآن را بگیرم؛ ولی افسوس که ممکن نیست

در این سن، من دیگر نمیتوانم قرآن را حفظ کنم؛ اما شما جوانید، شما بچه‌اید و میتوانید حفظ کنید ❁

حافظه‌ی شما، حافظه‌ی جوانی است. سنین بیست و پنج ساله و سی ساله و زیر سی سال – که غالب ❁ قرآن ما بحمدالله در این سن هستند – سنین حفظ قرآن است

کلام خدا و آیات کریمه‌ی الهیه را حفظ کنید و از حفظ بخوانید ❁

: یکی از شاگردان آیت الله بهجت (ره) می گوید

در مشهد خدمت آقا بودیم که از حیاط حرم امام رضا(ع) خارج شدیم، آقا فرمودند ﴿﴾

یک کتاب است که هر نوع دعایی که شما بخواهید در آن وجود دارد و برای هر کاری، دعای ﴿﴾ مخصوص به خودش را بیان کرده است

من هم کنجکاو شدم و خیلی سریع قلم و کاغذ را آماده کردم و خواستم نام کتاب را یادداشت کنم ﴿﴾ تا یادم نرود

از ایشان پرسیدم: آقا! اسم آن کتاب چیست؟ ﴿﴾! ﴿﴾!

"فرمودند: "قرآن ﴿﴾ ﴿﴾"

پرده نشین، ص ۵۸ ﴿﴾

﴿﴾ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

در باب فضیلت این سوره، آیت الله وحید خراسانی نکته ای را به جوانان بیان می کنند

به دیگران هم سفارش کنید، نماز صبح را که خواندید، یازده بار سوره توحید را بخوانید، ﴿﴾

وقت خواب هم یازده بار این سوره را بخوانید، ﴿﴾

بین روز هم که بیکارید، راه می روید، این سوره را بخوانید، ﴿﴾

شما جوان ها از حالا شروع کنید، بعد روحتان می شود اکسیر احمر، ﴿﴾

یک روز می بینی شب شده، صد تا سوره "قل هو الله احد" خواندی، آن وقت این صد تا سوره چه ﴿﴾ می کند؟

به حکم روایات متعدده هم از طرق عامه، هم از طرق خاصه، قرائت یک سوره "قل هو الله احد" ﴿﴾ ثلث تورات، ثلث انجیل، ثلث زبور، ثلث قرآن، حساب می شود،

آن وقت سه سوره که خواندی، خدا به رحمت واسعه اش اجر تورات و انجیل و زبور و قرآن را به ﴿﴾ تو می دهد.

این سوره را بخوانید، شروع کنید از امروز، همه را هم هدیه به امام زمان کنید، آن هدیه به امام ﷺ
زمان اثرش این است، که این سوره دیگر رد نمی شود

: خیلی زیباست

. مردی بود قرآن میخواند و معنی قرآن را نمیفهمید

دختر کوچکش از او پرسید چه فایده ای دارد قرآن میخوانی بدون اینکه معنی آن را بفهمی؟

. پدر گفت سبدی بگیر واز آب دریا پر کن و برایم بیاور

. دختر گفت : غیر ممکن است که آب در سبد باقی بماند

. پدر گفت امتحان کن. دخترم

دختر سبدی که در آن زغال می گذاشتند گرفت و رفت بطرف دریا و امتحان کرد سبد را زیر آب زد و به سرعت به طرف پدرش دوید ولی همه آبها از سبد ریخت و هیچ آبی در سبد باقی نماند. پس به پدرش گفت که هیچ فایده ای ندارد

. پدرش گفت دوباره امتحان کن. دختر کم

دختر دوباره امتحان کرد ولی موفق نشد که آب را برای پدر بیاورد . برای بار سوم و چهارم هم امتحان کرد تا اینکه خسته شد و به پدرش گفت که غیر ممکن است

پس پدر به او گفت سبد قبلا چگونه بود؟

اینجا بود که دخترک متوجه شد و به پدرش گفت بله پدر قبلا سبد از باقیمانده های زغال کثیف و سیاه بود ولی الان سبد پاک و تمیز شده است

پدر گفت: این حداقل کاری است که قرآن برای قلبت انجام میدهد

پس دنیاوکارهای آن قلبت را از کثافتها پرمیکند،

خواندن قرآن همچون دریا سینه ات را پاک میکند،

...حتی اگر معنی آنرا ندانی

: امام صادق علیه السلام

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ وَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ،
وَكَانَ الْقُرْآنُ حَاجِزًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ؛

هر جوان مؤمنی که در جوانی قرآن تلاوت کند، قرآن با گوشت و خونسش می آمیزد و خداوند عزوجل او را با فرشتگان بزرگوار و نیک قرار می دهد و قرآن نگهبان او در روز قیامت، خواهد بود

کافی(ط-الاسلامیه) ج 2، ص 603، ح 4

مشغول_قرآن_بودم_نفهمیدم

آیه الله العظمی حاج سیداحمد خوانساری (قدس سره) به دلیل بیماری زخم معده، به دستور پزشک معالج، در بیمارستان بستری شدند. چون سالخورده

و ضعیف‌البنیه بودند و در وقت بستری شدن 98 سال از عمر شریفشان می‌گذشت، تحمل جراحی بدون بیهوشی ممکن نبود، از طرفی معظم‌له نیز اجازه بیهوش کردن را نمی‌دادند، زیرا معتقد بودند که بیهوشی، تقلید مقلدین اشکال پیدا می‌کند. دکتر معالج به ایشان گفت: طبق آزمایش‌ها و عکس برداری‌ها، باید حتماً عمل جراحی صورت گیرد.

آیه الله العظمی خوانساری (قدس سره) فرمودند: مانعی ندارد؛ عمل جراحی را هر وقت خواستید، شروع کنید، ولی قبل از آن به من خبر دهید که با تلاوت قرآن و توجه به آن، مشکل بیهوش کردن حل شود. دکتر جراح پذیرفت و لحظاتی بعد گفت: ما آماده هستیم که دست به کار شویم. آیه الله العظمی خوانساری فرمودند: هر وقت من شروع به خواندن کردم، شما هم شروع کنید. دکتر تعریف می‌کرد تا ایشان شروع به خواندن سوره انعام کردند، چاقوی جراحی را روی بدنشان گذاشته و دست به کار شدیم. چنان بی‌حرکت بودند که گویا در حال بیهوشی کامل هستند. بعد از پاره کردن و دوختن و اتمام کار، گفتم: حضرت آقا! کار ما تمام شد. ایشان قرآن را بستند و فرمودند: صدق الله العلی العظیم. گفتم: آقا دردتان نیامد؟ فرمودند: مشغول قرآن بودم، نفهمیدم.

منبع: هزار و یک حکایت اخلاقی

قرآن #

امام صادق علیه السلام فرمودند

من لم يعرف الحق من القرآن لم يتنكب الفتن؛

هر کس حقیقت را از طریق قرآن نشناسد، از فتنه ها بر کنار نمی ماند

قرآن_تنهایی#

امام سجاد علیه السلام فرمودند

لو مات من بین المشرق و المغرب لما استوحشتُ بعد ان يكون القرآن معی

اگر همه مردمی که ما بین مشرق و مغرب هستند بمیرند، من از تنهایی هراس نکنم بعد از آن که قرآن با من باشد

الکافی، ج 2، ص 602

آیت الله سید عبدالکریم کشمیری اواخر عمر قرآن بسیار می خواند، و گاهی می فرمودند

کاش بجای تدریس بعضی کتاب ها در جوانی، قرآن می خواندم

: امام خامنه ای 

ما که در یک جامعه ی بزرگ و در یک کشور پهناور زندگی می کنیم، بایستی هزاران نفر [*] حافظ  قرآن داشته باشیم

کسانی که در سنین بالا هستند، شانس حفظ کردنشان کمتر است؛ اگر چه شانسشان منتفی نیست. ❀
البته بعضی‌ها وقت نمی‌کنند؛ اگر وقت می‌کردند، می‌توانستند تجربه و آزمایش کنند. من خودم وقت
نمی‌کنم؛ و الا در همین سن هم شروع به حفظ قرآن می‌کردم.

جوانان این را بدانند که حتی در سنین ما، اگر وقت و مجال بود، جا داشت و بهتر بود که کسی برای ❀
حفظ قرآن صرف وقت می‌کرد؛ در سنین جوانی این کار لازم است.

اصلاً بهتر این است که همه‌ی مردم ما انشان با قرآن به گونه‌ای باشد که آیات قرآن به گوششان ❀
آشنا باشد؛ وقتی آیه‌ای را می‌خوانند، صدر و ذیل و قبل و بعد آیه برایشان آشنا باشد



شایان ذکر است که مقام معظم رهبری در مطالبات خود از جامعه‌ی قرآنی و مسئولین فرهنگی *
کشور، فرموده‌اند ما باید حداقل ده میلیون حافظ قرآن در کشور داشته باشیم

رهبر معظم انقلاب

در این فضای آلوده مادیات، شایسته است در دریای بی کران معنویت قرآن کریم شنا کرد، تا از پلیدی
های دنیا پاک شد و این، جز با انس مدام با این کتاب آسمانی ممکن نیست

آثار و اعجاز دهگانه قرائت سوره یس



پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به امیرالمؤمنین فرمودند: ای علی! «یس» را بخوان که در آن ده اثر است: هر که آن را قرائت کند

اگر گرسنه باشد سیر گردد؛ (1)

اگر تشنه باشد، سیراب گردد؛ (2)

اگر عریان باشد، پوشانیده گردد؛ (3)

اگر عزب باشد، ازدواج کند؛ (4)

اگر ترسان باشد، امنیت یابد؛ (5)

اگر مریض باشد، عافیت یابد؛ (6)

اگر زندانی باشد، نجات یابد؛ (7)

اگر مسافر باشد، در سفرش یاری شود؛ (8)

نزد میت خوانده نمی شود مگر اینکه خدا بر او آسان گیرد؛ (9)

اگر گمشده داشته باشد، گمشده اش را پیدا کند (10)

❖❖❖❖❖❖❖❖❖❖

المصباح کفعمی، ص 182 ■

آیه الله فاضل لنکرانی

ارتباط عمیق و کامل با قرآن تمام مشکلات دنیوی انسان ها به ویژه جوانان را حل خواهد کرد

خواص آیات

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس سوره نازعات را قرائت کند، از عذاب الهی در امان و در قیامت به او نوشیدنی سرد و خنک داده می شود

خواص القرآن/ص154

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: هر که سوره نازعات را قرائت نماید سیراب از دنیا می رود و سیراب مبعوث می شود و سیراب وارد بهشت می گردد

ثواب الاعمال/ص121

-

فوق العاده زیبا حتما بخونید

@gatreheeazogyanos

...مردی همسر و سه فرزندش را ترک کرد و در پی روزی خود و خانواده اش راهی سرزمینی دور شد

فرزندانش او را از صمیم قلب دوست داشتند و به او احترام می گذاشتند

مدتی بعد ، پدر نامه ی اولش را به آن ها فرستاد

بچه ها آن را باز نکردند تا آنچه در آن بود بخوانند ، بلکه یکی یکی آن را در دست گرفته و بوسیدند و گفتند : این نامه از طرف عزیزترین کس ماست. سپس بدون این که پاکت را باز کنند ، آن را در کیسه ... ی مخملی قرار دادند

@gatreheeazogyanos

هر چند وقت یکبار نامه را از کیسه درآورده و غبار رویش را پاک کرده و دوباره در کیسه می گذاشتند...

و با هر نامه ای که پدرشان می فرستاد همین کار را می کردند

سال ها گذشت. پدر بازگشت، ولی به جز یکی از پسرانش کسی باقی نمانده بود،

از او پرسید : مادرت کجاست ؟

پسر گفت : سخت بیمار شد و چون پولی برای درمانش نداشتیم، حالش وخیم تر شد و مرد

پدر گفت : چرا ؟ مگر نامه ی اولم را باز نکردید ؟ برایتان در پاکت نامه پول زیادی فرستاده بودم

! پسر گفت : نه

@gatreheeazogyanos

پدر پرسید : برادرت کجاست ؟

پسر گفت : بعد از فوت مادر کسی نبود که با تجربه هایش او را نصیحت کند و راه درست را به او نشان ! دهد ، او هم با دوستان ناباب آشنا شد و با آنان رفت

پدر تعجب کرد و گفت : چرا ؟

مگر نامه ای را که در آن از او خواستم از دوستان ناباب دوری گزیند و نشانه های راه خطا را برایش ...! شرح دادم نخواندید؟ پسر گفت : نه

مرد گفت : خواهرت کجاست ؟

پسر گفت : با همان پسری که مدت ها خواستگارش بود ازدواج کرد الآن هم در زندگی با او اسیر ظلم ! و رنج است

پدر با تأثر گفت : او هم نامه ی من را نخواند که در آن نوشته بودم این پسر آبرودار و خوش نامی نیست و دلایل منطقی ام را برایش توضیح داده بودم و اینکه من با این ازدواج مخالفم ؟

...! پسر گفت : نه

@gatreheeazogyanos



الان به چی دارید فکر میکنید؟

به اینکه مقصر خود فرزندان بودند که بجای خواندن نامه ، اونو میبوسیدن و به چشم میمالیدند و با احترام در کیسه مخملی نگهداریش میکردند؟

به چیز درستی فکر میکنید ، پس حالا میتوانید ادامه ی صحبت های منو خووووب درک کنید



@gatreheeazogyanos

به حال آن خانواده فکر کردم و این که چگونه به راحتی همه فرصتها را از دست داده بودند ، سپس
!..... چشمم به قرآن روی طاقچه افتاد که در قوطی مخملی زیبایی قرار داشت. وای بر ما

!رفتار ما با کلام الله مثل رفتار آن بچه ها با نامه های پدرشان است

ما هم قرآن را میبوسیم

روی چشمان میگذاریم

مورد احترام قرار میدهیم

می بندیم و در کتابخانه می گذاریم و آن را نمی خوانیم و از آنچه در اوست ، سودی نمی بریم، در حالی
که تمام آنچه که در آن است روش زندگی ماست

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در خطبه فدکیه فرمود: قرآن چند ویژگی دارد

قرآن شفاف است 1.

أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ؛ قرآن مقاصدش آشکار است. وقتی کسی به او یس گفت – در نقل دیگری داریم به «
بهلول گفته شد – که آیا من اهل بهشتم یا اهل جهنم؟ وی گفت: قرآن را باز کن، و بین! می فرماید:

«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ؛ ابرار به بهشت و فجّار به جهنّم می روند. حالا بین تو جزء ابراری یا جزء فجّار.

بنابراین قرآن خیلی آشکار است اگر می خواهید ببینید که اهل بهشت هستید یا نه؟ سورة معارج را باز کنید، خواهید دید که هشت – نه صفت آنجا شمرده شده است. بعد می فرماید: کسانی که این ویژگی ها را داشته باشند «فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ»؛ با سلام و صلوات و با کرامت به بهشت می روند. به قول یکی از مراجع (ره) می گفت: من گاهی قرآن را باز می کنم سورة مؤمنون و معارج را می بینم و می سنجم که چند تا از این صفات و ویژگی ها در من وجود دارد. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» می بینم که در نماز خشوع دارم یا ندارم؟ به عهده عمل می کنم یا نمی کنم؟ در بعضی از جلسات گفته ام که شما سورة مبارکه اسراء را باز کنید آیات 39 – 23 را بخوانید. این 18 آیه منشور قرآن است. اگر کسی بخواهد عصارة آیات قرآن را یک جا بیابد باید سراغ این هجده آیه برود

این آیات را یک بار مرور کنید، ببینید که چه قدر زیبا 14 ویژگی را بیان کرده است. بعد از این آیات هجده گانه که گفته شد قرآن می فرماید: مردم! اگر دنبال حکمت هستید و می خواهید مثل لقمان و داود حکیم باشید؟ «ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ» این 14 ویژگی را کسب کنید. اگر کسب کردید حکیم می شوید. در روایت آمده که حکیم به نبوّت و عصمت نزدیک است

آیت الله سبحانی اسم تفسیرش را «منشور جاوید» گذاشته است ایشان در جلد اول این تفسیر چند عنوان از این نمونه ها را آورده است. مواردی که قرآن تابلو و الگو می دهد در سورة اسراء یک جا همین 14 صفت آمده است. جای دیگری که الگودهی می کند آیات 152 – 151 سورة انعام است که 10 صفت را برای ما بر می شمارد. در سورة فرقان 12 ویژگی را بر می شمارد. سورة معراج و مؤمنون معیارهای مهمی را برای رفتار و آزمون انسان ارائه داده اند. درست است که گاهی اوقات قرآن مطالب

را ریز کرده، ولی برخی از اوقات در یک جا جمع کرده است یکی از آن جاها سوره اسراء است. همین طور در سوره فرقان، مؤمنون و معارج نکاتی را جمع کرده است

تدبر در قرآن

وجود مقدس امام رضا (ع) فرمودند: من سه روز یک ختم قرآن می کنم. آقا! کسی که وارد باشد سی جزء را می تواند در 7 الی 8 ساعت ختم کند. حبیب بن مظاهر در یک شب قرآن را ختم می کرد. کسی که تسلط داشته باشد یک جزء از قرآن را در 20 الی 15 دقیقه می خواند. گفت: آقا چرا سه روز یک ختم قرآن می کنید؟ امام رضا (ع) فرمود: برای اینکه در آیاتش تدبر و تأمل می کنم. ببینم چقدر با این آیات منطبق هستم

روایتی از امیرالمؤمنین (ع) است که می فرماید: اهتمام شما به اتمام قرآن و سوره های آن نباشد، این طور نباشد که حتماً قرآن را تا آخرش بخوانم «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرًا»

[مطالب منبر، 12.02.17 08:57]

تَبَلُّغاً؛ قرآن را با ترتیل بخوانید. امام صادق و امیرالمؤمنین (ع) روایت بسیار زیبایی دارند که می فرمایند: اگر قرآن قصه دارد عبرت بگیرید، اگر امر دارد اطاعت کنید، اگر نهی دارد ترک کنید. اگر مثلی دارد از آن درس بگیرید، اگر احکامی دارد آن را پیاده و عمل کنید. امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: قرآن هفت بخش است: اوامر، نواهی، ناسخ، منسوخ، محکم، متشابه، وعده؛ اگر وعده به بهشت است، و یا ترس از جهنم سفارش شده از آن تأثیر بگیرید

سفارش مرحوم مجلسی (ره) به فرزندش

بزرگان ما درباره اهمیت قرآن فراوان توصیه می کردند، مرحوم مجلسی اول - ملا محمد تقی - وصیت نامه ای برای پسرش «ملا محمد باقر» نوشته است که در آن وصیت نامه آورده است: پسر! با توجه به تجربه ای که دارم به تو سفارش می کنم که به سه چیز توجه کن؛ 1- روزی یک جزء قرآن بخوان؛ 2- در آن تأمل کن؛ - نمی گوید هر روز یک بار ختم قرآن کن - 3- هر روز نامه امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی (ع) را بخوان. یکی از عزیزان، شرحی بر این نامه نوشته که اسم شرحش را «نخستین رساله اخلاقی» گذاشته است. مقصودش این است که اولین رساله اخلاقی که موجود و مکتوب در اسلام است همین نامه است. این نامه را بعد از جنگ صفین امیرالمؤمنین (ع) برای امام حسن (ع) نوشت.

مجلسی می نویسد: پسر! روزی یک جزء قرآن بخوان! حالا، زهرای مرضیه (ع) را ببینید که چقدر «قشنگ قرآن را در مسجد معرفی کرد و گفت: «أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ»؛ قرآن آشکار و همه فهم است.

احکامش روشن است

أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ احکام قرآن شفاف و بدون ابهام است»

نشانه هایش روشن است

أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ قرآن کریم دارای اعلام و ستون های آشکار و نشانه های روشن و استوار است»

نهی های قرآن معلوم است

رَوَّاجِرُهُ لَأَيِّحَهُ» نهی های قرآن معلوم است، بدین معنا که چه کارهایی را نباید کرد مثل غیبت، تهمت، «
دروغ، کم فروشی، احتکار، ربا، همه به صورت واضح بیان شده است

امرهای قرآن واضح است

أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ» اوامر قرآن نظیر: نماز، روزه، تقوا بسیار واضح بیان شده است»

فضیلت آموختن قرآن

شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان خبری را چنین نقل کرده است که: زمانی پیغمبر - صلی الله علیه و
آله - می خواست سپاهی را برای جنگ مأموریت دهد. برای تعیین سپهدار یکایک ایشان را پیش خود
می خواند و از هر کدام می پرسید از قرآن چه مقدار آموخته اید؟ نوبت به جوانی رسید که سنش از همه
کمتر بود. فرمود: از قرآن چقدر آموخته ای؟ عرض کرد: فلان و فلان سوره و سوره بقره را. فرمان داد
حرکت کنید که این جوان امیر شماست. عرض کردند: این جوان از همه ما کوچکتر است! در جواب
مجمع البیان، ج 1، ص ۱۹۹. [فرمود: ولی به همراه او سوره بقره است. (او صاحب این امتیاز است). [1]] 1

32.

مسلمان شدن ابن مقفع

ابن مقفع در ابتدا در کیش مانی بود و سالها با آزادی کامل با اسلام و قرآن به مبارزه پرداخته و شبهات و اشکالات زیادی در میان مردم منتشر ساخته بود. از همین روست که می‌گویند او باب بُرزویه طبیب را [به قصد شک انداختن در دل مردم بر کتاب «کلیله و دمنه» افزود].¹

ابن مقفع روزی در بغداد از کوچه‌ای می‌گذشت، ناگهان صدای کودکی او را به خود جلب کرد که با «
:آواز زیبا و صدای دلنشین چنین قرآن می‌خواند

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا وَ
[جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا...]²

آیا زمین را گاهواره و کوهها را میخهایی قرار ندادیم؟ شما را نر و ماده آفریدیم و خواب را برای شما «
وسیله آسایش و آرامش گردانیدیم و (تاریکی) شب را برای شما لباس و پوشاکی قرار دادیم (تا سیاهی
...شب همچون پرده شما را بپوشاند) و روزی برای شما وقت کار و کوشش گردانیدیم

ابن مقفع به محض شنیدن کلام خدا در حالی که سکوت سراپای وجودش را فراگرفته بود، بی‌اختیار
ایستاد و در تفکر و سکوت غرق شد، آنقدر ایستاد تا آن پسر بچه سوره را به پایان رساند. او سخن نو
شنیده بود که نه شعر بود و نه نثر. ولی آهنگی زیباتر از شعر و بیان رساتر از نثر داشت. زیبایی لفظ و
شیوایی اسلوب و هماهنگی روشن قرآن نظرش را به خود جلب کرد و موجی از لذت و شادی در روانش
پدید آمد. لذتی که قرآن به او داد غیر از آن بود که تا آن وقت از سایر انواع سخن می‌برد

ابن مقفع که خود در فصاحت و سخن شناسی بی‌مانند بود با شنیدن این آیات تکان دهنده فطرت دینی
او بیدار گشت و با هیجان و جذبه‌ای گفت: شکی نیست که این گفتار عالی ساخته اندیشه کوتاه بشر
نیست. تصادف کوچکی ابن مقفع را با قرآن آشنا کرد، چهره قرآن در نظرش دگرگون شد. احساس
کرد که دنیای جدیدی را برای او کشف شده است. بی‌درنگ از همانجا برگشت و با قدمهای محکم به
سوی «عیسی بن علی» عموی منصور رفت و گفت: نور اسلام در قلب من تاییده است و دریچه‌ای از جهان
وسیع و پهناور در برابر دیدگانم باز شده و دگرگونی عمیقی در من به وجود آمده است و می‌خواهم در

حضور تو به دین اسلام مشرف شوم. عیسی با تعجب گفت: تو که یک عمر با قرآن مبارزه کرده‌ای علت روی آوردن به اسلام چیست؟ وی ماجرا را بیان کرد و عیسی در پاسخ گفت: این کار شایسته است که در یک مجلس رسمی در حضور علما و امرای لشکر و در نزد طبقات مردم انجام گیرد. بنابراین فردا به همین منظور پیش من بیا.

همان روز شب هنگام ابن مقفع شروع به زمزمه کرد و وردهای مخصوصی که مانویان و زرتشتیان موقع غذا خوردن، می‌خوانند، خواند. عیسی رو به او کرد و گفت: آیا با اینکه قصد داری مسلمان شوی باز هم طبق روش دیرینه خود به زمزمه مشغول هستی! ابن مقفع گفت: من که هنوز به طور رسمی به آیین جدید «اسلام» داخل نشده‌ام و نمی‌توانم مراسم و تشریفات آن را بجا آورم، چگونه می‌توانم از کیش مانوی دست بردارم و شبی را به روز آورم در حالی که به هیچ مذهب و کیشی پایبند نباشم. من از اینکه شبی را در بی‌دینی به روز آورم ناراحت هستم. بامداد فردا رسید، از طرف «عیسی بن علی» مجلس با شکوهی برای اسلام آوردن ابن مقفع ترتیب داده شد. طی مراسمی شهادتین بر زبان جاری کرد و مسلمان شد و موسوم به «عبدالله» و دارای کنیه «ابو محمد» گردید.

آشنایی او با اسلام و تعالیم حیاتبخش قرآن، بینش جدید و عمیقی در او به وجود آورد و طرز فکر جهان‌بینی‌اش را به کلی دگرگون ساخت. او قلم خود را مثل شمشیر برنده بود بر ضد دستگاه خلافت منصور به کار انداخت و طوری جهان را بر منصور تنگ کرد که منصور فریاد زد آیا کسی هست مرا از شر ابن مقفع نجات دهد؟

سرانجام ابن مقفع به دست یکی از دژخیمان منصور بنام «سفیان بن معاویه» امیر بصره به وضعی سخت و فجیع هلاک گردید و بر او تهمت «زندقه» نهادند، اما حقیقت آن است که او بیش از هر چیز قربانی [رشک و کینه دشمنان خویش شده است. [3] / [4]

ابن مقفع، مرحوم عباس اقبالی . [1]

سوره نبأ، آیه 5 و 6 و 7 . [2]

ابن مقفع، تألیف: حنا الفاخوری مصری . [3]

مکتب اسلام، 1362/1 . [4]

چرا قاری قرآن نخواند؟

یکی از علمای اصفهان می گفت : با عده ای برای حج به مکه مشرف شدیم ، در مدینه یک نفر از ما در گذشت . پس از دفن ، مجلس ترحیمی تشکیل دادیم و یکی از قاریان اهل تسنن را برای خواندن قرآن . به مجلس دعوت کردیم . قاری آمد و نشست اما قرآن نمی خواند . به او گفتیم : بخوان . قاری گفت : شما مشغول حرف زدن هستید ، تا ساکت نشوید قرآن نمی خوانم

همه ساکت شدیم ولی باز هم قرآن نخواند . گفت : طرز نشستن شما متناسب با مجلس قرآن نیست . لذا همه دو زانو نشستیم ، دیدیم باز هم قرآن خواندن را شروع نمی کند . گفتیم : بخوان . گفت: هنوز مجلس برای قرائت قرآن مهیا نشده است ، زیرا در دست بعضی چای و سیگار مشاهده می شود . ما چای و سیگار را کنار گذاشتیم و قاری آیه ای از قرآن را تلاوت کرد و مجلس را ترک گفت

: آیه ای که او تلاوت کرد آیه ۲۰۴ سوره اعراف بود

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

هنگامی که قرآن خوانده می شود به آن گوش فرا دهید و ساکت باشید ، باشد که مورد رحمت قرار گیرد^[۴۹].

قال الصادق (عليه السلام) : يجب الانصات للقران في الصلوة و في غيرها و اذا قرا عندك و جب عليك الانصات و الاستماع^[۵۰].

امام صادق (عليه السلام) فرمود : بر تو واجب است که در نماز و غیر نماز در برابر شنیدن قرآن سکوت کنی و هنگامی که نزد تو قرآن خوانده شود ، لازم است سکوت کردن و گوش فرا دادن

آثار دنیوی و اخروی تلاوت قرآن کریم

زدودن زنگار از قلب

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: قلوب شما همانند آهن، زنگار می گیرد. پرسیدند جلا دهنده آن چیست؟ فرمود: تلاوت قرآن. (کنز العمال، ج 2، ص 241، ح 3924)

کفاره گناهان

انسان در زندگی گاه دچار گناه و لغزش های کوچک و بزرگ می شود که برخی از آنان کفاره دارد، تلاوت قرآن کفاره گناهان است. قرآن بخوان که خواندن قرآن کفاره گناهان، سپر آتش و امان از عذاب الهی است. (وسایل الشیعه، ج 4، ص 839)

زیاد شدن خیر و برکت

هنگامی که در خانه ای زیاد قرآن خوانده شود، خیر و برکت آن فزونی یابد و اهل خانه مدت ها از آن لذت خواهند برد و همانگونه که ستارگان برای زمینیان می درخشند، [این خانه] نیز برای آسمانیان می درخشد. (بحار الانوار، ج 89، ص 204)

استجاب دعا

امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود: «هر کس قرآن بخواند - بلافاصله یا با کمی تأخیر - دعایش مستجاب خواهد شد». (بحار الانوار، ج 89، ص 204)

سکونی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) پرسیدند: بهترین مردم کیانند؟ فرمود: کسی که فرود آید و کوچ کند. گفتند: او چه کسی است ای رسول خدا؟ فرمود: آن کس که قرائت قرآن را آغاز کند و آن را به پایان برساند. چنین کسی نزد خدا یک دعای مستجاب خواهد داشت. (ثواب الأعمال، ترجمه انصاری، 199)

غفران گناهان پدر و مادر و افزایش نور چشم

از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هر کس قرآن را از رو بخواند، از چشم خویش بهره‌مند خواهد شد و عذاب پدر و مادر او را تخفیف می‌دهند اگر چه کافر باشند. (پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، ترجمه ثواب الأعمال، 268)

جلو فحشا و منکر را می گیرد

پیامبر خدا: فَإِنَّ الْقُرْآنَ يُحْيِي الْقَلْبَ الْمَيِّتَ وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

زیرا که قرآن دل مرده را زنده می کند و از فحشاء و زشتی باز می دارد.
البرهان فی تفسیر القرآن ج 1، ص 19

مومن باید در حال آموختن قرآن باشد یا آن را یاد گرفته باشد.

قال الصادق عليه السلام :

يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ ، حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ ، أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ .

شایسته است که مؤمن از دنیا نرود، مگر آن که قرآن را فرا گیرد و یا در حال آموختن آن باشد
اصول کافی 607/2

دلی که پر از قرآن باشد عذاب نمی شود

قال رسول الله صلى الله عليه و آله :

لَا يُعَذَّبُ اللَّهُ قَلْبًا وَعَى الْقُرْآنَ .

خداوند قلبی را که قرآن را در خود جای داده باشد، عذاب نمی کند .

امالی طوسی 6/1

دلی که خالی از قران باشد ویرانه و خرابه است!

قال رسول الله صلى الله عليه و آله :

الْقَلْبُ الَّذِي لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَالْبَيْتِ الْخَرِبِ .

قلبی که در آن چیزی از قرآن نباشد، هم چون خانه ویران است .

کشف الاسرار میبیدی

405/7

همیشه و در همه احوالات قران بخوانید

فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ لِعَلِّي عَلَيْهِمَا وَ آلهِمَا السَّلَام :

وَ عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ .

از وصایای پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) این است که :

« یا علی! بر تو باد که در همه حال قرآن تلاوت کنی. »

اصول کافی 79/7

قاری قران و شنونده قران در پاداش مساوی هستند

قال رسول الله صلى الله عليه و آله :

قَارِئُ الْقُرْآنِ وَ الْمُسْتَمِعُ فِي الْأَجْرِ سَوَاءٌ

قاری قرآن و گوش کننده آن در پاداش مساوی هستند.

مستدرک الوسائل 4 / 261

تسبیح گلها کشف جدید دانشمندان امریکایی

سبب اسلام آوردن دانشمند آمریکایی ویلیام براون چیست؟ به واقع سبب آن موج و نوسان لفظ جلاله «الله» بود که توسط بعضی از گیاهان صادر می‌شود. در یک تحقیق علمی که در مجله‌ی علمی مشهور منتشر شد، گروهی از دانشمندان آمریکایی کشف Journal of Plant Molecular Biology ... کردند که بعضی از گیاهان استوایی موج‌ها و حرکات نوسانی مافوق صوت

از خود صادر می‌کنند که ثبت و ضبط آن‌ها با جدیدترین تجهیزات علمی و تخصصی صورت گرفته است. دانشمندانی که حدود سه سال به پی‌گیری و بحث این پدیده حیرت‌انگیز پرداخته بودند، به تفکیک این امواج و نوسانات به شکل فتوالکتریک به واسطه‌ی دستگاه رصد الکترونی (Oscilloscope) مشغول شدند و مشاهده کردند که این نوسانات فتوالکتریکی بیش از ۱۰۰ بار در ثانیه تکرار می‌شوند.

پروفسور ویلیام براون (William Brown) و کسی که رهبری گروهی از دانشمندان که تحقیق آن پدیده را بر عهده داشتند، اشاره کردند که بعد از نتایجی که به دست آورده‌اند هیچ توجیه و تفسیری علمی برای این پدیده پیش رویمان نداریم و نتایج تحقیقات خود را به تعدادی از دانشگاه‌های ایالات متحده و اروپا و مراکز علمی تخصصی عرضه داشتیم، ولی همه‌ی آن‌ها از تفسیر این پدیده عاجز شده و همگی شگفت‌زده شده‌اند. آخرین بار این تجربه در حضور گروهی علمی از انگلستان به اجرا گذاشته شد که در میان آنان دانشمند مسلمانی هندی الاصل حضور داشت. پس از پنج روز که در طی آن تجارب آزمایشگاهی عرضه شد و باعث حیرت دانشمندان انگلیسی شد، دانشمند مسلمان ایستاد و گفت: «توجیه و تفسیر این پدیده از ۱۴۰۰ سال پیش نزد ما مسلمانان موجود بوده است».

دانشمندان با شنیدن این سخن شگفت‌زده شدند و با اصرار از او خواستند تا آن‌چه را می‌خواهد، بگوید و برای آنان شرح دهد. او این آیه از قرآن را برای آنان تلاوت کرد: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» [الإسراء/44] آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر کس که در آن‌هاست او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیز نیست مگر این‌که در حال ستایش تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آن‌ها را در نمی‌یابید به راستی که او همواره بردبار و آمرزنده است». و این نوسانات فتوالکتریکی که بر صفحه‌ی دستگاه نیز ظاهر شده است، چیزی جز لفظ جلاله الله نیست. سکوت و سرگشتگی بر حاضران در سالی که دانشمند مسلمان در آن سخنرانی می‌کرد، حکم‌فرما شد. در این‌جا مسئول گروه تحقیقاتی دکتر ویلیام براون با دانشمند مسلمان

به گفت‌وگو پرداخت، تا با این دین بزرگ که پیامبر درس نخوانده‌ی اسلام، ۱۴۰۰ سال قبل به این معجزه خبر داده است بیش‌تر آشنا شود. دانشمند مسلمان توضیحاتی درباره‌ی اسلام به او داد و بعد از آن، قرآن کریم با ترجمه‌ی انگلیسی را به او هدیه نمود.

پس از گذشت چند روز، پروفیسور ویلیام براون در دانشگاه میلون (Mellon University) کنفرانسی ترتیب داد و گفت: «در طول زندگی‌ام تا اکنون که ۳۰ سال از عمر کاری من می‌گذرد، چنین پدیده‌ای را مشاهده نکرده‌ام و هیچ یک از دانشمندان گروه تحقیقاتی نیز تفسیری برای آن ارائه نکرد و هیچ پدیده طبیعی هم وجود ندارد که آن را شرح و توضیح دهد و تنها توضیح و تفسیرش را در قرآن یافتیم. در این میان چیزی جز این نمی‌توانم بگویم: «أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمداً عبده و رسوله».

حضرت آیت الله میرزای نائینی است که به استادالفقهاء و المجتهدين شهرت داشته اند

ایشان استاد بسیاری از مراجع؛ از جمله آیات عظام، میرزا مهدی اصفهانی، ابوالقاسم خویی، محسن حکیم، علامه طباطبایی، سید جعفر حسینی شاهرودی، سید احمد شهرستانی، میرزا محمود حسینی زنجانی، محمدتقی بهجت، سید عبدالرسول آیتی بهبهانی، سید جمال الدین گلپایگانی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد هادی میلانی، شیخ محمدتقی آملی، میرزا هاشم آملی و بسیاری دیگر از مراجع و بزرگان بوده اند

در دوران جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط قوای انگلیس و روس خیلی نگران بودند از این □ ➤ که کشور دوستداران امام زمان (عجل الله فرجه) از بین برود و سقوط کند

شبی به امام عصر (عجل الله فرجه) متوسل می شود و در خواب می بیند دیواری است به شکل نقشه ایران که شکست برداشته و خم شده است و در زیر این دیوار تعدادی زن و بچه نشسته اند و دیوار دارد روی سر آنها خراب می شود.

مرحوم نائینی در عالم خواب مشاهده می کند که حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) تشریف آوردند و: دیوار در حال ریزش را سر جایش قرار دادند و فرمودند:

”اینجا (ایران شیعه) خانه ماست، می شکند، خم می شود، خطر است ولی ما نمی گذاریم سقوط کند“ ﴿



محمد مهیار در سال ۱۹۹۲ میلادی در منطقه حسین پور (پاکستان) چشم به جهان گشود. او فرزند ارجمند محسن حسین پور است.

بر اساس گفته پدرش، مهیار در پنج سالگی بر اثر تصادف موتور گنگ می شود. پزشکان و بیمارستانها در درمان او ناامید می شوند که شاید این بچه دیگر نتواند حرف بزند و یا پس از سالها قدرت تکلم خود را بازیابد. پدر و مادرش بجای اینکه ناامید شوند بوسیله اهل بیت اطهار(ع) به سوی خدا رخ نموده و پدرش محسن حسین پور شبها توسط احادیث و آیات قرآن بر فرزندش می دمید.

دقیقا صبح یک روز به هنگام دمیدن فجر، تحول و معجزه قرآنی برای مهیار به وقوع پیوست که این کودک از خواب بلند شده و پدرش را مخاطب ساخته می گوید: بابا هفتاد و دو حدیثی را که شما شبها برایم می خواندید حفظ کرده ام و می توانم بخوانم.

پدر مهیار اعلام کرده بود این حافظ نوجوان قبل از حفظ کل قرآن، پنج جزء از آن همراه با ۷۲ حدیث را حفظ کرد و سپس یک روز صبح گفت میتواند کل قرآن را بخواند و این قبل از رفتن به دبستان و

گرفتن هر نوع آموزش روخوانی بوده است. پدر و مادر مهیار با مشاهده معجزه قرآنی از خوشحالی در پیراهن نمی گنجیدند. آنها کودک را به حفظ قرآن مشغول ساختند. در مدت کوتاهی پنج جزء قرآن را حفظ کرد. بعد از حفظ پنج جزء قرآن صبحگاهی مهیار به پدرش می گوید که کل قرآن را از حفظ دارد و می تواند بنویسد. سبحان... پدر و مادر متحیر شدند زیرا مهیار نوجوان هنوز به مدرسه نرفته بود و با الف و باء آشنایی نداشت.

به لطف و کرم ویژه ی پروردگار و معجزه قرآن در خصوص مهیار حسین پور این حافظ نوجوان، زندگی پدرش محسن حسین پور که در اصل خیاط بود نیز تغییر کرد و بر اثر آن پدر نیز از قرآن استفاده کرد. خداوند متعال به مهیار حسین پور اطلاعات کامل و حفظ قرآن را اعطا کرده است. علاوه بر حفظ شماره سوره، شماره آیه، شماره صفحه، راست یا چپ، آیه چندم در صفحه، و... خداوند متعال قدرت پاسخ گویی به تمام امور روزمره زندگی را با آیات قرآن به او عنایت فرموده است. در عصر حاضر حافظ مهیار حسین پور دلیل عظمت قرآن است نه تنها این، بلکه این حافظ نوجوان در بیان احادیث نبوی، ثنا و وصف اهل بیت اطهار علیهم السلام و در تبلیغ و خطبه و قصیده به زبانهای فارسی و عربی مهارت کامل دارد. زمانی که در سن شش سالگی مهیار حسین پور، کل قرآن را حفظ کرد پدرش او را به مدرسه فرستاد. در اینجا نیز همه را به حیرت درآورد و چهار کلاس را در مدت کوتاه با موفقیت کامل به پایان رسانید. کلاس اول در هفت روز، کلاس دوم را در یک روز و نیم، کلاس سوم را در سه روز و کلاس چهارم را در دو هفته بپایان رسانید. قابل ذکر است که در تمام امتحانات معدل ۲۰ گرفته بود.

این اعجاز از لطف ویژه خداوند متعال است که در هر کجا در پاسخ به سوالات در خصوص قرآن قاصر نبوده است بلکه صد در صد موفق نشان داده است. در دانشکده اسلامیة زمانی که فردی در مقام سوال از وی آیه ای را تلاوت نمود، مهیار سکوت کرده و زمانی که دوباره حافظ تلاوت کرد مهیار به پدرش حصار در سالن به حیرت افتادند و زمانی که از گفت به قاری بگوئید قرآن را اشتباه نخواند گناه دارد قاری سوال کردیم وی گفت من عمداً اشتباه خواندم تا او را امتحان کنیم که آیا آیه اشتباه را پاسخ می دهد یا خیر؟ همین گونه فردی آیه ای را تلاوت کرده و مهیار از او پرسید این آیه در دو سوره ی مختلف قرآن آمده است کدام را تلاوت کند؟ و به این ترتیب حافظ و قاریانی که از مهیار سوال کردند و نتوانستند او را مات سازند مجبور شدند از او قدردانی و وی را به گرمی تمجید کنند.

ویژگیهای حفظ و تسلط مهیار به قرآن

مشخصات کامل همه صفحات قرآن را قادر است بیان کند که این صفحه از کدامین سوره است و آیه آغاز و پایانی آن کدام است و اینکه این آیه در کدام طرف واقع شده است. با آیات مشابه در قرآن مجید آشنائی کامل دارد.

خصوصیات جزءها اعم از شمار آیات، رکوع و تعداد سوره و آیه و سوره آغازین و پایان هر جزء را بیان می کند.

آغاز هر آیه ای را که تلاوت کنید ادامه آنرا با صوت خوش قرائت کرده؛ تمام اطلاعات آیه را اعم از نام سوره و شماره صفحه و اینکه طرف راست یا چپ صفحه است را بیان می کند.

علاوه بر اینها اعجاز قرآن را مشاهده کنید که محسن حسین پور پدر مهیار با مشاهده معجزه قرآنی ۷۰ هزار اشاره ایجاد کرده است، اگر می خواهید مهیار را امتحان کنید آیه ای را به پدرش نشان دهید و پدرش با اشاره و رموز به فرزند می فهماند، سپس مهیار آن آیه را تلاوت کرده و به سؤالات در این خصوص نیز پاسخ می دهد.

درباره زندگی روز مره و دیگر امور از او سوال شود بی اختیار از زبان مبارک او پاسخ با آیات قرآن بیرون می آید. برای مثال از وی سوال شد چگونه بدون استاد و آموزش کل قرآن را حفظ کردید؟ در پاسخ آیه ۲۴۹ سوره بقره را تلاوت کرد که ترجمه آن این است “خدا فیض حکمت و دانش را به هر که خواهد عطا کند و هر که را به حکمت و دانش رساند درباره او رحمت بسیار فرموده و این حقیقت را ”جز خردمندان عالم متذکر نشوند

درباره برنامه های روزمره و شرکت در محافل مختلف و سفر طولانی به کشورها از او سوال شد در پاسخ آیه ۵۷ سوره مائده را بیان کرد که ترجمه آن این است “ای پیغمبر آنچه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده ای و خدا تو را از شر و آزار مردمان محفوظ خواهد داشت. بیم مکن و دل قوی دار که خدا گروه کافران را به هیچ موفقیتی راهنمائی نخواهد کرد.”

زمانی که از او سؤال شد حفظ قرآن مشکل است یا آسان؟ آیه ۱۷ سوره قمر را تلاوت کرد که ترجمه “آن این است “و ما قرآن را برای وعظ و اندرز به فهم آسان کردیم، کیست که از آن پند گیرد در اسلام آباد کسی از او پرسید خداوند جل و علا به شما این همه مقام و عظمت عنایت فرموده آرزو و خواهشی دارید؟ در پاسخ فوراً آیه ای را تلاوت کرد که مفهوم آن این است “بار پروردگارا مرا و پدر و مادرم و تمام مؤمنین و مؤمنات را مغفرت عطا کن

افتخارات و جوایز محمد مهیار حسین پور در سفر به کشورهای مختلف در مسابقات حفظ و تفسیر قرآن به کشورهای زیادی سفر کرده است از جمله کویت، روسیه، امارات متحده عربی، سوریه، لبنان، عربستان سعودی و پاکستان که در این خصوص قابل ذکر است در سال ۲۰۰۲ در مسابقات حفظ در امارات متحده عربی از سراسر جهان ۷۶ حافظ شرکت کرده - ۱ بودند که در آن مهیار حسین پور لقب نجم الحفاظ و حافظ برجسته را گرفت. ۲ - در سال ۲۰۰۳ در مسابقات حفظ در عربستان سعودی برجسته ترین حافظ خوانده شد. در این مسابقات از ۷۹ کشور ۲۱۲ حافظ شرکت کرده بودند. ۳ - در سال ۲۰۰۳ در مسابقات حفظ در ایران مقام اول را بدست آورد.

منبع *

روزنامه جهاد ۳۰/۹/۸۲ پاکستان

نویسنده: آقای ساجد حسین

احترام به قرآن

یکی از صفات بارز ایه الله بوجردی ، احترام به قرآن بود . گاه کتابی را مطالعه می کرد ، به آیه ای می رسید که نویسنده در نوشته اش به آن استشهاد کرده بود ، در این هنگام ، یعنی در وقت خواندن آیه ، لحنش عوض می شد . مانند این بود که در مشهد وعالم دیگری است .

روزی از طرف یکی از سران کشورهای عربی ، هیأتی خدمتشان رسیده بودند وقرآنی را به عنوان هدیه تقدیم ایشان کردند . در هنگام تقدیم قرآن ، آن مرحوم با کھولت سنّ و حال خاصّی که داشتند ، ایستادند وقرآن را تحویل گرفتند . سپس نشستند وپیش از آنکه با اعضای هیئت سخنی بگویند ، قرآن شریف راگشودند وبا صدای بلند ، آیاتی را تلاوت فرمودند قرآن را درجای مناسبی گذاشتند . سپس تعارفات معمولی را با مهمانان انجام دادند ^(۱) .

ادب نسبت به قرآن

حجت الاسلام موسوی همدانی مترجم تفسیر المیزان نقل کرده اند که زمانی در یکی از روزها که مشغول ترجمه المیزان بودم، قرآن دستم بود و تفسیر هم روبرویم و در این حالت می خواستم کتاب دیگری را باز کنم، اما چون احتمال داشت آن صفحه مورد نظر قرآن بسته شود و بهم بخورد، قرآن را از پشت، روی زمین نهادم، علامه طباطبایی که حالات و رفتارم را مشاهده می کرد، فوراً قرآن را برداشت و بر آن بوسه زد و به من گفت: «دیگر از این کارها نکنید.»

یکی از شاگردان علامه طباطبایی می گوید: وقتی که غروب فرا می رسید، علامه طباطبایی به تلاوت قرآن مشغول می شدند، عرض کردم آقا چرا در این موقع که هوا تاریک است قرآن می خوانید؟ می فرمود: «قرائت قرآن به نور چشم می افزاید همان گونه که بصیرت دل را افزایش می دهد.» اگر موقعیتی پیش می آمد قرائت قرآن و برخی از نوافل را در راه یا حتی سوار بر اتومبیل انجام می داد... حتی در این اواخر که بیماری رعشه ایشان را گرفتار ساخته بود و واقعاً رنجشان می داد و مرتب داروی اعصاب مصرف می کرد، تلاوت قرآن را ترک نمی نمود.

حجت الاسلام محمد فاضل (تبریزی) نقل می کنند که: ...روزی ایشان در ماشین، قرآنی از جیب خود درآورده و به بنده فرمود: «من عهد دارم که هر روز یک جزء از قرآن را بخوانم و الان چهل سال است که این کار را انجام می دهم. دیشب شما علما مزاحم شدید، نتوانستم بخوانم و اکنون قضا می کنم! هر ماه یک ختم قرآن تمام می شود و باز از ابتدای آن شروع می کنم و هر بار می بینم که انگار اصلاً این قرآن، آن قرآن پیشین نیست! از بس مطالب تازه ای از آن می فهم! از خدا می خواهم به بنده عمر بسیاری دهد تا بسیار قرآن بخوانم و از لطایف آن بهره ببرم. نمی دانید من چه اندازه از قرآن لذت می برم و استفاده می کنم!»

استاد امجد می گوید: «هرگاه از ایشان می پرسیدم: چگونه قرآن بخوانیم؟ می فرمودند: «توجه داشته باشید که کلام الله است.»

نجمه السادات طباطبائی (فرزند علامه) از قول پدر می گوید: «بشر باید عاطفه داشته باشد کسی که عاطفه ندارد، یعنی با قرآن دوست نیست!»

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «(والله) لقد تجلی الله لخلقه فی کلامه ولكنهم لا یبصرون: (به خدا قسم که) خداوند در سخن خویش (قرآن) بر آفریدگان خود تجلی کرده، اما آنان او را نمی بینند (و توجه ندارند).

مکاشفه ای با قرائت سوره مبارکه ص (صاد)

علامه حسن زاده آملی فرمودند: شب جمعه هفتم ماه شعبان 1378 ه. ق. در محضر مبارک جناب استاد علامه طباطبائی صاحب المیزان تشرف حاصل کرده ام، عرض نمودم حضرت آقا امشب شب جمعه و شب عید است لطفی بفرمایید، فرمودند: سوره مبارکه ص و القرآن ذی الذکر را در نمازهای و تیره بعد از حمد بخوانید که در حدیث است سوره ص از ساق عرش نازل شده است.

سپس علامه طباطبائی فرمودند: من در مسجد سهله در مقام ادريس نماز می خواندم، در نماز وتیره سوره مبارکه ص را قرائت می کردم که ناگهان دیدم از جای خود حرکت کردم ولی بدنم در زمین است و اینقدر با بدنم فاصله گرفتم که او را از دورترین نقطه مشاهده می کردم، تا پس از چندی به حال اول خود برگشتم. و در وقت دیگری نهر آب دیدم که در روایت آمده است: ص نهر فی الجنه (صاد نهری است در بهشت).

علت تفسیر قرآن

استاد سید محمد علی علوی نقل می کنند که: «روزی با مرحوم آیت الله موسوی گلپایگانی به دیدن علامه طباطبائی در منزلشان رفتیم. در میان صحبت های آن روز، این سخن پیش آمد که چه انگیزه ای باعث شد که آیت الله طباطبائی، با اینکه اشتغال و تخصصشان فلسفه بود، به قرآن رو آوردند و تفسیر المیزان را نوشتند؟

مرحوم علامه فرمود: «بله؛ من مدتی دنبال فلسفه بودم تا اینکه شبی مادرم را در خواب دیدم که به من گفت: «محمد حسین! تو که این اندازه در پی فلسفه هستی، فردای قیامت چه خواهی کرد؟! دستت خالی است.» مرحوم علامه که به مادر خود علاقه بسیاری داشت و می فرمود: «مادرم حق بزرگی بر گردن من دارد.» ایشان ادامه داد: «در خواب به مادرم گفتم: «پس چه کنم مادر؟» مادرم گفت: «به دامان قرآن چنگ بزن! در پی قرآن و تفسیر آن برو تا انشاء الله شفاعتت بکند.» من وقتی این خواب را دیدم، خیلی مضطرب و نگران شدم و دریافتم که مادرم کلام بسیار جالبی فرموده است. با خود گفتم: چه بهتر که این آخر عمری، به ذیل عنایت قرآن، متوسل بشوم و این، انگیزه شد که من شب و روز به

نگارش تفسیر المیزان همت بگمارم و بحمدالله، با عنایت خداوند و دعای مادرم، موفق به اتمام دوره آن شدم و این را از برکات عنایت مادرم می دانم.»

استاد امجد نقل می کنند که مرحوم علامه، المیزان را پس از سه دوره خواندن بحارالانوار {110 جلد تألیف علامه مجلسی} نوشتند! و نیز شهید مطهری (ره) می گفت: «سی سال طول می کشد تا یادداشت هایی را که از المیزان برداشته ام، تنظیم و مرتب کنم!»

حجت السلام حسین گنجی می گوید: مرحوم علامه برای آیه «الهکم التکاثر، حتی زرتم المقابر» تفسیری لطیف فرمودند که نیاز به دانستن تاریخ و شأن نزول آیه در آن نبود. البته این وجه از تفسیر را در المیزان نیاورده اند. می فرمودند: «آیه می فرماید این کثرت بینی ها و اسباب مادی دیدن ها و ... شما را سرگرم کرده است و نمی بینید و توجه ندارید که خداوند، همه کاره است و علت و سبب همه چیز؛ تا جایی که بمیرید و از اصحاب قبر شوید. آن جا دیگر «وحدت» را خواهید دید و اهل «لا اله الا الله» خواهید شد؛ که به اصحاب قبور گفته می شود: «السلام علیکم یا اهل لا اله الا الله!».

آیت الله کشمیری (ره) می فرمودند: سید علی قاضی سجده های طولانی داشت و معمولاً قبل از خواب «مسبحات» را تلاوت می فرمود. (سوره های حدید-حشر-صف-جمعه-تغابن واعلی). ایشان به همه قرائت این ذکر را توصیه می فرمودند: «استغفرالله الذی لا اله الا الهومن جمیع ظلمی و جورى و اسرافى على نفسى و اتوب اليه»

به فرزندشان فرموده بودند: اول روخوانی قرآن / می فرمودند قرآن را خوب و صحیح بخوان / دوم مطالعه دوره تاریخ اسلام / بعد می فرمودند برو نماز شب بخوان.

مرحوم قاضی (ره) در نامه ای به شیخ علی محمد بروجرودی (ره) فرموده بودند: «دستورالعمل قرآن کریم است. آن قرء العیون مخلصین را همیشه جلوی چشم داشته باشید و با آن هادی طریق مقیم و صراط مستقیم سیر نمایید و از جمله سیرهای شریف آن، قرائت است به حسن صورت و آداب دیگر خصوصاً! در بطون لیالی (در دل شب)

آیت الله قاضی در نامه ای به آیت الله طباطبایی می فرمودند: «دستورالعمل، قرآن کریم است؛ فیه دواء کل دواء و شفاء کل عله و دوا کل غله علماً و عملاً و حالاً. آن قرء العیون مخلصین را همیشه جلوی چشم

داشته باشید و با آن هادی طریق مقیم و صراط مستقیم سیر نمایید و از جمله سیرهای شریف آن قرائت است به حسن صورت و آداب دیگر، خصوص در بطون لیالی...»

و نیز: «بر شما باد به قرائت قرآن کریم در شب با صدای زیبا و غم انگیز، پس آن نوشیدنی و شراب مؤمنان است. تلاوت قرآن کمتر از یک جزء نباشد.»

آیت الله شیخ محمد تقی آملی رحمه الله می فرمود: «من در بحث فقه آیت الله قاضی شرکت می کردم - روزی از ایشان سؤال کردم - آن روز هوا بسیار سرد بود - که ما می خوانیم و می شنویم که عده ای موقع قرائت قرآن جلوییشان آفاق باز می شود و غیب و اسرار برای آن ها تجلی می کند -. در حالی که ما قرآن می خوانیم و چنین اثری نمی بینیم! مرحوم قاضی مدت کوتاهی به چهره من نظر کرد سپس فرمود: بلی! آن ها قرآن کریم را تلاوت می کنند و با شرایط ویژه، رو به قبله می ایستند -. سرشان پوشیده نیست، کلام الله را با هر دو دستشان بلند می کنند، و با تمام وجودشان به آنچه تلاوت می کنند، توجه دارند و می فهمند جلوی چه کسی ایستاده اند! اما تو قرآن را قرائت می کنی در حالی که تا چانه ات زیر کرسی رفته ای! و قرآن را روی زمین می گذاری و در آن می نگری...!» (اسوه عارفان، ص 25).

همنشینی با قرآن در کلام اویس

اویس قرنی درباره اثرات هم نشینی با قرآن می گوید: «هیچ کس با قرآن همدم نمی شود، مگر آن که وقتی برخاست، بر کمالش افزوده گردید یا از کوردلی و انحرافش کاسته شد. قرآن، مایه شفا و رحمت مؤمنان است، ولی برای ستمگران، چیزی جز زیان و خسارت نیست». از دیدگاه اویس، قرآن برای مؤمنان عامل رشد و قوت و کمال است و برای ستمکاران، زمینه ساز ضعف و تباهی و شکست می شود. اویس، بهترین همدم و مونس خویش را قرآن کریم قرار داده بود و آن گاه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله نشانه های اویس را برمی شمرد، چنین فرمود: «اویس قرآن می خواند و بر خویش می گرید